



Providing a Model of Relationship between Factors Affecting the Level of Disclosure of Environmental, Social and Economic Information of Companies and Information Asymmetry based on Positive Accounting Theories with the Industry Impact Approach

Farnaz Ziya^{1*}, Hamid Reza Vakili Fard², Fatemeh Saraf³

1-Department of Accounting, Kish International Branch, Islamic Azad University, Kish Island, Iran, farnazzia@yahoo.com

2- Associate Professor, Department of Accounting and Financial Management, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, vakilifard.phd@gmail.com

3-Assistant Professor, Department of Accounting, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, Aznyobe@yahoo.com

ARTICLE INF	ABSTRACT
Received: 2021-05-22 Accepted: 2021-09-23	In order to change the business environment and move towards sustainable development goals, companies must consider maximizing social justice, environmental quality and economic prosperity for all their stakeholders in society and their information. Their performance is revealed in this regard. On the other hand, one of the problems of the capital market, which will lead to the risk of moral abuse, undesirable selection and uncertainty in the market, is the inequality of information between domestic and foreign stakeholders due to differences in access to this information, which is essentially confidential. In this study, the importance of disclosure of the mentioned information, and the impact of industry on the level of disclosure, have been investigated. This research is of theoretical-applied type. The performance information of 76 companies listed on the Tehran Stock Exchange from six selected industries selected by screening has been reviewed in the period 2011-2018. Based on the results of analysis of variance, the level of disclosure of environmental and social information under the influence of industry has been significantly different. Economic information is disclosed at almost the same level in all industries. Also, the results of regression test showed that information disclosure in the mentioned areas has led to a reduction in information asymmetry.
* Corresponding author: Farnaz Ziya Department of Accounting, Kish International Branch, Islamic Azad University, Kish Island, Iran, Email: farnazzia@yahoo.com	

1. Introduction

In order to change the business environment and move towards sustainable development goals, companies must consider maximizing social justice, environmental quality and economic prosperity for all their stakeholders in society and their information. Their performance is revealed in this regard. On the other hand, one of the problems of the capital market, which will lead to the risk of moral abuse, undesirable selection and uncertainty in the market, is the inequality of information between domestic and foreign stakeholders due to differences in access to this information, which is essentially confidential. In this study, the importance of disclosure of the mentioned information, and the impact of industry on the level of disclosure, have been investigated.

2. Hypotheses

H1: Disclosure of companies' social information is effective in reducing information asymmetry.

H2: Disclosure of companies' environmental information is effective in reducing information asymmetry.

H3: Disclosure of companies' economic information is effective in reducing information asymmetry.

H4: The level of disclosure of companies' social information is significantly different in different industries.

H5: The level of disclosure of environmental information of companies in different industries is significantly different.

H6: The level of disclosure of economic information of companies has significant differences in different industries.

3. Research Method

This research is of theoretical-applied type. The performance information of 76 companies listed on the Tehran Stock Exchange from six selected industries selected by screening has been reviewed in the period 2011-2018. To test the hypotheses of this research, combined linear regression test and analysis of variance have been used.

4. Results

The results of regression test for the first to third hypotheses of the study showed that disclosure of information in the field of social responsibility, environment and economics of companies is effective in

reducing information asymmetry. Also, based on the results of analysis of variance for the fourth to sixth hypotheses of this study, the level of information disclosure of companies in the field of social responsibility and environment in different industries is different.

5. Discussion and Conclusion

Based on the results of analysis of variance, the level of disclosure of environmental and social information under the influence of industry are significantly different. Economic information is disclosed at almost the same level in all industries. Also, the results of regression test showed that information disclosure in the mentioned areas has led to a reduction in information asymmetry.

Keywords: Sustainable Development, Positive Accounting Theory, Disclosure Level, Industry Impact, Information Asymmetry.



ارائه الگوی ارتباط میان عوامل موثر بر سطح افشاء اطلاعات زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی شرکت‌ها و عدم تقارن اطلاعاتی بر مبنای تئوری‌های اثباتی حسابداری با رویکرد تأثیر صنعت

فرناز ضیاء^۱، دکتر حمیدرضا وکیلی فرد^{۲*}، دکتر فاطمه صراف^۳

چکیده: در راستای تغییرات ایجاد شده در محیط‌های کسب‌وکار و حرکت در مسیر اهداف توسعه پایدار، شرکت‌ها باید حداکثرسازی عدالت اجتماعی، کیفیت زیست‌محیطی و رونق اقتصادی برای تمام ذینفعان خود در جامعه را مد نظر قرار داده و اطلاعات عملکردی خود را در این زمینه افشاء سازند. از سویی یکی از مشکلات بازار سرمایه که منجر به خطر سوءاستفاده اخلاقی، گزینش نامطلوب و عدم اطمینان به بازار خواهد شد، نابرابری سطح اطلاعات میان ذینفعان داخلی و خارجی ناشی از اختلاف سطح دسترسی به اطلاعات یاد شده که اصولاً ماهیت محرمانه دارند، می‌باشد. در این تحقیق اهمیت افشاء اطلاعات مذکور، تأثیر صنعت بر سطح افشاء، مورد بررسی قرار گرفته، همچنین از تئوری‌های اثباتی حسابداری برای توضیح‌دهندگی تأثیر عوامل موثر بر سطح افشاء این نوع اطلاعات و اختلاف سطح اطلاعات در دست ذینفعان مختلف پرداخته و روابط بین آنها ارزیابی و اندازه‌گیری شده است. این پژوهش از گونه نظری - کاربردی است. اطلاعات عملکردی تعداد ۷۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از بین شش صنعت منتخب که به روش غربالگری انتخاب شده‌اند در بازه زمانی ۱۳۹۷-۱۳۹۰، مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس نتایج تحلیل واریانس، سطح افشاء اطلاعات زیست‌محیطی و اجتماعی، تحت تأثیر صنعت دارای تفاوت معنادار بوده است؛ اطلاعات اقتصادی در تمام صنایع، تقریباً در سطح برابری، افشاء می‌شود. همچنین نتایج آزمون رگرسیون نشان داد که افشاء اطلاعات در حوزه‌های مذکور منجر به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی گردیده است.

کلید واژه‌ها: توسعه پایدار، تئوری‌های اثباتی حسابداری، سطح افشاء، تأثیر صنعت، عدم تقارن اطلاعاتی

۱. گروه حسابداری، واحد بین الملل کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران

farnazzia@yahoo.com

۲. دانشیار، گروه حسابداری و مدیریت مالی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

vakilifard.phd@gmail.com

Aznyobe@yahoo.com

۳. استادیار، گروه حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۱. مقدمه

بر اساس تغییرات ایجاد شده در محیط‌های کسب‌وکار و نحوه انجام عملیات تجاری به جهت کسب مزیت رقابتی، ارزش‌آفرینی برای مشتریان، پیوستن به تجارت جهانی و در راستای نیل به اهداف توسعه پایدار^۱ هدف و رسالت شرکت‌ها تنها در سوددهی و کسب ثروت بیشتر برای سهام‌داران، خلاصه نمی‌شود.

این تغییرات مورد حمایت سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد^۲ (UN)، کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه^۳ (WCED)، سازمان ابتکار گزارشگری جهانی^۴ (GRI)، هیئت استانداردهای حسابداری پایداری^۵ (SASB)، شورای تجارت جهانی توسعه پایدار^۶ (WBCSD)، و اصول سرمایه‌گذاری مسئولیت‌پذیر^۷ (PRI) که اصول، دستورالعمل‌ها و بهترین رویه‌ها را برای شرکت‌ها به جهت مدیریت فعالیت‌ها و دارایی‌های مختلف خود ارائه می‌دهند، قرار گرفته است. آلودگی‌های ایجاد شده ناشی از فعالیت شرکت‌ها در جهان، مشکلات اجتماعی و زیست‌محیطی زیادی را به وجود آورده است که مورد توجه سازمان‌های فوق قرار دارد و منجر به اهمیت افشاء اطلاعات عملکردی شرکت‌ها در زمینه‌های اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی، گردیده است. این امر موجب توجه جهانیان به مفهوم توسعه پایدار و ایجاد سازمان ابتکار جهانی گزارشگری (GRI)، شده است که این سازمان، هر ساله آخرین دستورالعمل‌ها را جهت ارائه اطلاعات پایداری (اطلاعات اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی) توسط شرکت‌ها، در سراسر جهان، ارائه می‌نماید.

شورای تجارت جهانی توسعه پایدار اینگونه توضیح می‌دهد: "توسعه پایدار یک فعالیت هم‌زمان برای برقراری عدالت اجتماعی، کیفیت زیست‌محیطی و رونق اقتصادی" می‌باشد. تعریف کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه در سال ۱۹۸۷ از توسعه پایدار، تاکید به رعایت حقوق و عدالت بین نسلی و آینده‌نگری دارد "توسعه‌ای که نیاز نسل‌های فعلی را برآورده می‌کند، بدون آن‌که توانایی نسل‌های آینده برای برآورده ساختن نیازهای خاص آنها مورد تهدید قرار گیرد".

افشاء اطلاعات در زمینه عملکرد اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی، به زبان جدیدی از گزارشگری کسب‌وکار بدل شده است، به این ترتیب شرکت‌ها برای تداوم فعالیت علاوه بر حفظ قدرت مالی باید تأثیرات اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی عملکردشان را بر تمام ذینفعان خود در سطح جامعه را مد نظر قرار دهند. با توجه به این نکته که چشم‌انداز وسیع ارزش‌های سازمانی فراتر از حوزه‌های حسابداری مالی است (نظام و همکاران^۸، ۲۰۱۹).

چندین سال است که این باور به وجود آمده که گزارش‌های مالی سنتی به اندازه کافی ابعاد مختلف فعالیت‌های شرکت‌ها را نشان نمی‌دهند. این امر منجر به شکل‌گیری معیارهای غیرمالی شده که در کنار معیارهای مالی، بر آنها تکیه می‌شود و باعث شده تا در سراسر جهان، شرکت‌ها به افشاء اطلاعات غیرمالی بپردازند. در این زمینه می‌توان به استفاده از گزارش‌های مستقل مربوط به مسئولیت‌پذیری اجتماعی و زیست‌محیطی در کنار گزارش‌های اقتصادی اشاره نمود. (مونوا و هراندز پاجارز،^۹ ۲۰۱۸).

مدیران، سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران مالی، عوامل پایداری (عملکرد پایدار اجتماعی و زیست‌محیطی و اقتصادی شرکت‌ها در راستای اهداف توسعه پایدار برای جامعه) را به چشم‌انداز آینده شرکت و استراتژی‌های کسب‌وکار، تفسیر و مرتبط ساخته و به پشتوانه آن مزیت رقابتی را گسترش می‌دهند (لانگر،^{۱۰} ۲۰۱۶).

از سویی دیگر یکی از موضوعات مورد توجه در مطالعات بازار سرمایه در بین ذینفعان، سهام‌داران و تصمیم‌گیرندگان، مشکلات مربوط به وجود عدم تقارن اطلاعاتی^{۱۱} است. لذا شرکت‌ها باید اطلاعات کامل و جامع‌تری را ارائه دهند تا نیازهای اطلاعاتی ذینفعان مختلف را تأمین نمایند. بدیهی است زمانی که برخی از ذینفعان نسبت به دیگران آگاه‌تر بوده و اطلاعات بیشتری در اختیار داشته باشند، منجر به ایجاد عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود (نظام و همکاران، ۲۰۱۹).

افشاء داوطلبانه اطلاعات پایداری می‌تواند منجر به افزایش دقت اطلاعات و افزایش در دقت پیش‌بینی تحلیل‌گران مالی و در نتیجه، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین ذینفعان مختلف با سطوح متفاوت اطلاعات شود (دالیوال و همکاران^{۱۲}، ۲۰۱۲).

با توجه به این که افشاء این اطلاعات برای تمام کشورها الزامی نیست لذا شرکت‌ها، اطلاعات پایداری خود را به‌طور داوطلبانه منتشر می‌کنند. این افشاء داوطلبانه می‌تواند به عنوان مکانیزم موجهی در نظر گرفته شود که از طریق آن اطلاعات خاص شرکت، مفیدتر و دقیق‌تر شوند. افشاء در این زمینه‌ها، اطلاعات مربوط را برای تحلیل‌گران فراهم کرده، در نتیجه خطای پیش‌بینی تحلیل‌گران مالی کاهش می‌یابد. به ویژه، این نوع افشاء، دقت اطلاعات را افزایش داده و عدم تقارن اطلاعاتی را، از طریق تبدیل اطلاعات خصوصی (محرمانه) شرکت به اطلاعات عمومی و به حداقل رساندن تفاوت سطح اطلاعات بین ذینفعان آگاه و ناآگاه، کاهش می‌دهند (گلام و همکاران^{۱۳}، ۲۰۱۳).

تحقیق حاضر، پژوهشی جدید در راستای مطالعه ارزش‌آفرینی و اهمیت افشاء اطلاعات

پایداری (اطلاعات عملکرد اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی) شرکت‌ها که ماهیت محرمانه و غیرمالی دارند، عوامل موثر بر سطح افشاء این اطلاعات بر مبنای تئوری‌های اثباتی^{۱۴} حسابداری شامل تئوری ذینفعان^{۱۵}، نمایندگی^{۱۶}، مشروعیت^{۱۷} و علامت‌دهی^{۱۸} و نهایتاً ارتباط آن با عدم تقارن اطلاعاتی به عنوان معزل اساسی در بازار سرمایه نوپای ایران به انجام رسیده است. مطالعات پیشین، این موضوع را در بازارهای توسعه یافته مانند ایالات متحده امریکا (مون و کادسون^{۱۹}، ۲۰۱۸)، کانادا (لاک و سیلی^{۲۰}، ۲۰۱۶) و استرالیا (لیانگ و رنبوگ^{۲۱}، ۲۰۱۶)، ارزیابی و بررسی نموده‌اند.

با توجه به افزایش آلودگی‌ها و عوامل مخرب زیست‌محیطی ناشی از فعالیت صنایع در ایران، پایین بودن تمایل صنایع به افشاء داوطلبانه تأثیر عملکرد خود در زمینه‌های زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادیشان بر جامعه در راستای اهداف توسعه پایدار، امید است بر اساس نتایج پژوهش حاضر، افشاء اطلاعات در زمینه‌های مذکور توسعه یافته و منجر به افزایش دانش بومی در این حوزه گردد.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱. اهمیت افشاء اطلاعات زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی توسط شرکت‌ها:

هدف اصلی افشاء اطلاعات پایداری، اندازه‌گیری عملکرد شرکت در راستای اهداف توسعه پایدار و ارائه اطلاعات سودمند بر اساس نظریه سودمندی در تصمیم‌گیری، برای ذینفعان مختلف است. افشاء اطلاعات پایداری تلاقی همبستگی دو تئوری شامل «تئوری نمایندگی» و «تئوری ذینفعان» است، هسته این مباحث این است که آیا در سطح سازمان، پایداری موضوعی مربوط و دارای اهمیت است یا خیر؟ و آیا می‌توان پایداری را اندازه‌گیری نمود؟ مفهوم توسعه پایدار به‌طور وسیع به عنوان یک موضوع چند وجهی یا چند سطحی مورد سازمان‌دهی قرار گرفته است که هر سطح آن وابستگی زیادی با دیگر سطوح دارد. پیشرفت واقعی به سوی پایداری جهانی مستلزم فعالیت در همه این سطوح است (حسین و همکاران^{۲۲}، ۲۰۲۰).

اکثر اطلاعاتی که به‌طور داوطلبانه از عملکرد زیست‌محیطی و اجتماعی و اقتصادی شرکت‌ها منتشر شده، موجب شکل‌گیری تصویری مثبت از شرکت مربوطه، می‌شوند (لی و همکاران^{۲۳}، ۲۰۱۹).

شرکت‌ها با توجه به تأثیر مثبت مسئولیت‌پذیری اجتماعی، زیست‌محیطی و عملکرد اقتصادی بر عملکرد مالی و ایجاد ارزش شرکتی، جهت ایفای نقش مسئولیت‌پذیری خود در

زمینه‌های فوق، تلاش و هزینه‌های بیشتری را متقبل می‌شوند. به اعتقاد این دسته از محققان، اگرچه شرکت‌ها در کوتاه‌مدت منافعی را از دست می‌دهند ولی در بلندمدت می‌توانند از طریق مزایای رقابتی به وجود آمده، عملکرد مالی بهتری را انتظار داشته باشند. تحقیقاتی نشان دادند، سرمایه‌گذاری در ایفای مسئولیت‌های یاد شده، موجب بهبود روابط کارکنان، ارتقاء سیاست‌های زیست‌محیطی، استراتژی‌های محصول و کاهش هزینه‌های سهام شرکت‌ها می‌شود. ضمن این که شرکت‌ها با سطح بالاتر از مسئولیت‌پذیری اجتماعی، ارزش شرکتی بالاتر و ریسک مالی کمتری دارند (مون و کادسن، ۲۰۱۸).

افشاء اطلاعات پایداری در شرکت‌های خصوصی، به‌منظور افزایش شفافیت عملکرد، افزایش ارزش برند، شهرت و مشروعیت، ایجاد معیارهای رقابتی، ایجاد انگیزه در کارکنان و حمایت از اطلاعات شرکت‌ها و فرایندهای کنترلی، به عنوان اهداف شرکت‌های خصوصی هستند. علاوه بر این، اطلاعات پایداری به‌طور فزاینده‌ای به عنوان عامل مهم در نشان دادن عملکرد پایدار شرکت شناخته می‌شوند. بنابراین، تعجب‌آور نیست که این موضوع در کانون توجه سازمان‌ها و محافل علمی قرار گرفته است (لوزانو و هایزینگ^{۲۴}، ۲۰۱۱).

برخی دیگر از مطالعات نیز به تأثیر سطح مسئولیت‌پذیری اجتماعی و زیست‌محیطی بر عملکرد مالی پرداخته‌اند. نتایج این مطالعات نشان داده که برخی از سهام‌داران این نوع مسئولیت‌پذیری اجتماعی را به عنوان یک ویژگی مدیریتی نمادین در نظر می‌گیرند. به بیانی دیگر، توجه به مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ملاحظات زیست‌محیطی صرفاً به منظور کسب شهرت بوده که با اقداماتی برای حمایت از منافع جامعه بهبود یافته و منجر به افزایش سطح فروش شرکت می‌شود (دراول و همکاران^{۲۵}، ۲۰۰۵).

۲-۲. افشاء اطلاعات زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی توسط شرکت‌ها و عدم تقارن اطلاعاتی

افزایش سطح افشاء اطلاعات از سه طریق می‌تواند بر عدم تقارن اطلاعاتی تأثیر بگذارد. اول، افشاء اطلاعات بیشتر، سرمایه‌گذار را از جستجو برای کشف اطلاعات محرمانه و سوداگری بر مبنای آن، باز می‌دارد. زیرا با افشاء اطلاعات، عدم تقارن اطلاعاتی بین ذینفعان بازار کاهش می‌یابد. دوم، افشاء اطلاعات در بازار مانع انجام معاملات مولد ثروت برای یک عده برخوردار از اطلاعات محرمانه می‌شود و در نتیجه، با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، رفاه تمام سرمایه‌گذاران افزایش می‌یابد. سوم، به‌طور کلی سطح افشاء اطلاعات، با میزان معاملات صورت گرفته توسط

هر دو گروه، دارندگان اطلاعات عمومی و دارندگان اطلاعات محرمانه، ارتباط مثبت دارد (لانگونی و کاگیو^{۲۶}، ۲۰۱۹).

شرکت‌ها با عملکرد اجتماعی مطلوب تمایل بیشتری به افشاء عمومی فعالیت اجتماعی خود دارند. افشاء بیشتر در مورد عملکرد اجتماعی موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت و سرمایه‌گذاران و همچنین کاهش ریسک می‌شود. مدیران شرکت‌ها از عملکرد مربوط به مسئولیت‌پذیری اجتماعی به عنوان ابزار استراتژیک به منظور کسب مزیت رقابتی، ایجاد وفاداری در مشتریان، بهبود عملکرد شرکت و حداکثرسازی ارزش شرکت، استفاده می‌کنند (جامعی و عزیزی، ۱۳۹۷).

هنگامی که عدم تقارن اطلاعاتی وجود دارد، سرمایه‌گذاران بازار سرمایه، برای تحمل ریسک عدم تقارن اطلاعاتی و ریسک سرمایه‌گذاری، خواستار بازده بالاتری خواهند بود. در نتیجه، به‌منظور کاهش مشکل عدم تقارن اطلاعاتی و به دست آوردن قیمت‌های عادلانه برای فرصت‌های سرمایه‌گذاری، باید افشاء داوطلبانه اطلاعات شرکت به سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان توسط مدیریت شرکت، مد نظر قرار گیرد (دالماسو و همکاران^{۲۷}، ۲۰۱۹).

پژوهش‌های اخیر نشان دادند که افشاء اطلاعات پایداری، باعث افزایش ارزش شرکت و کاهش هزینه تأمین مالی می‌شود. همچنین اکثر مطالعات پیشین به این نتیجه رسیدند که افشاء بیشتر در زمینه‌های فوق باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران می‌شود (غفوریان و همکاران، ۱۳۹۸).

کازی و یار^{۲۸} (۲۰۱۷)، شواهدی ارائه دادند که افشاء اطلاعات پایداری توسط شرکت‌ها، موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران و در نتیجه باعث افزایش ارزش شرکت شده و عملکرد شرکت در بازار سرمایه را بهبود می‌بخشد. افشاء مسائل مربوط به پایداری به ذینفعان، نقش پاسخ‌گویی و شفافیت عملکرد شرکت را تقویت کرده و این امر به نوبه خود به سرمایه‌گذاران در ارزیابی گزینه‌های سرمایه‌گذاری مناسب کمک می‌کند. همچنین، این نوع افشاء مزایای دیگری مانند افزایش اعتبار تصویر سازمانی، تقویت روابط با جامعه و مشروعیت‌بخشی به فعالیت‌های شرکت را فراهم می‌آورد.

به‌طور مشابه لانگ و لاندلهلم^{۲۹} (۱۹۹۶)، عنوان می‌دارند، شرکت‌هایی که اطلاعات غیرمالی بیشتری را گزارش می‌کنند، از دقت بیشتر و نوسان کمتر در پیش‌بینی‌ها برخوردارند که این امر نهایتاً باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود.

در این راستا، اسپیچر^{۳۰} (۱۹۹۱)، بر مبنای یافته‌های پژوهش خویش تصریح نمود که

خطا و پراکندگی پیش‌بینی‌های سود توسط تحلیل‌گران مالی می‌تواند به عنوان سنج‌های از عدم اطمینان سرمایه‌گذاران در مورد عملکرد اقتصادی آینده شرکت باشد که به نوعی ناشی از عدم تقارن اطلاعاتی بین ذینفعان مختلف است.

فاما و جنسن^{۳۱} (۱۹۸۳)، معتقدند که هزینه‌های نمایندگی به دلیل تضاد منافع و در نتیجه عدم تقارن اطلاعاتی بین عناصر درون و برون سازمانی ظاهر می‌شود. از این‌رو، افشاء اطلاعات پایداری نقش مهمی در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و افزایش اعتبار گزارشگری مالی و نیز درک نقش اطلاعات حسابداری در ارزش‌گذاری شرکت و تأمین مالی آن دارد.

۲-۳. تئوری اثباتی حسابداری و افشاء اطلاعات پایداری

تئوری اثباتی حسابداری توسط واتز و زیمرمن^{۳۲} (۱۹۷۸) معرفی و رواج یافته است. ایشان در توضیح چگونگی انتخاب واژه اثباتی در تئوری خود عنوان می‌کنند: تئوری اثباتی حسابداری به تشریح و تبیین رویه‌های موجود در حسابداری می‌پردازد. بر اساس تئوری اثباتی حسابداری افشاء داوطلبانه تنها در صورتی قابل توجیه است که این نوع افشاء بتواند منجر به کاهش هزینه‌های نمایندگی گردد (بنی‌مهد و رؤیایی، ۱۳۸۵). بر مبنای فوق در این مطالعه تئوری اثباتی حسابداری می‌تواند برای تشریح اینکه چرا مدیریت واحد تجاری اطلاعات محرمانه و غیر مالی را علاوه بر اطلاعاتی که هیئت‌های قانونی حسابداری الزام نموده‌اند را انتشار می‌دهد، به کار رود (افشای اطلاعات محرمانه منجر به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و در نتیجه کاهش هزینه‌های نمایندگی می‌شود).

تئوری‌های مختلفی وجود دارد که انگیزه شرکت برای افشای اطلاعات زیست‌محیطی و اجتماعی را توضیح می‌دهد؛ مانند تئوری مشروعیت و تئوری ذینفعان (جنکینس و یاکولوا^{۳۳}، ۲۰۰۸).

بر مبنای تئوری علامت‌دهی مدیران تمایل دارند اطلاعات عملکرد مطلوب و پایدار شرکت که دارای محتوای اطلاعاتی می‌باشد را تحت عنوان اخبار خوب و جدید به ذینفعان خویش مخابره و اطلاع‌رسانی کنند (کوردیرو و توری^{۳۴}، ۲۰۱۵).

در این تحقیق از تئوری‌های اثباتی حسابداری برای توجیه‌بخشی به افشاء اطلاعات غیرمالی و محرمانه شرکتی در زمینه پایداری و همچنین به منظور توضیح و تبیین عوامل موثر بر سطح افشاء اطلاعات اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی از تئوری‌های ذینفعان، نمایندگی، علامت‌دهی و مشروعیت، بهره گرفته شده است.

۱-۳-۲. تئوری ذینفعان

"تئوری ذینفعان" تصریح می‌کند که شرکت‌ها باید دیدگاه‌های مختلف را مد نظر قرار داده و انتظارات گروه وسیعی از ذینفعان علاقه‌مند به فعالیت‌های شرکت را در نظر بگیرند (لاپلومه و همکاران^{۳۵}، ۲۰۰۸).

تئوری ذینفعان به افراد، گروه‌ها یا سازمان‌هایی که احتمالاً بر عملکرد یا تصمیمات شرکت تأثیر گذاشته و همچنین تحت تأثیر عملیات و تصمیمات شرکت قرار می‌گیرند، اشاره می‌کند. بر اساس دیدگاه فریمن^{۳۶} (۱۹۸۴)، تئوری ذینفعان بر این باور است که شرکت‌ها در قبال ذینفعان مختلف خود، علاوه بر سهام‌داران، مسئولیت داشته و پاسخ‌گو می‌باشد. این ذینفعان عبارت از اعتباردهندگان، مشتریان، تامین‌کنندگان منابع مالی یا غیرمالی، کارکنان، دولت، جامعه، محیط‌زیست، نسل‌های آینده و غیره، می‌باشند و همچنین می‌توان فرض کرد که وجود تعداد زیادی از ذینفعان نهادی (قدرتمند)، احتمال پاسخ‌گویی شرکت‌ها در ابعاد مختلف از جمله مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد مناسب زیست‌محیطی و اقتصادی را افزایش می‌دهند. تراکسلر و گربلینگ^{۳۷} (۲۰۱۹)، احتمال می‌دهند که فشار ذینفعان بر کیفیت اطلاعات گزارش شده، تأثیر می‌گذارد.

۲-۳-۲. تئوری مشروعیت

بر مبنای "تئوری مشروعیت"، فرض بر این است که یک شرکت نیاز به مشروعیت داشته به این معنا که نیازمند مجوزی برای انجام فعالیت اجتماعی است. این مشروعیت برای دسترسی شرکت به منابع لازم و موثر در موفقیت کسب‌وکار، ضروری است. "تئوری مشروعیت" نشان می‌دهد که هیچ یک از سازمان‌ها حق وجود ذاتی را نداشته اما پذیرش هرگونه عملیات تجاری توسط شرکت‌ها به استقبال جامعه و مشروع جلوه کردن آنها در اذهان افراد جامعه بستگی دارد. لذا مشروعیت شرکتی که بر اساس اذهان ذینفعان آن به نحو قابل قبولی کار نمی‌کند، مورد تهدید قرار می‌گیرد. بر این مبنای، "استراتژی‌های مشروع‌سازی" به منظور تضمین مشروعیت به عنوان یک منبع ارزشمند، توسط شرکت مورد توجه قرار می‌گیرد (گوپتا و گلدار^{۳۸}، ۲۰۰۵). فریمن (۱۹۸۴)، استدلال می‌کند که مدیران باید تأثیرات عملکرد خود بر محیط و ذینفعان داخلی و خارجی را مد نظر قرار دهند. وی، بر پایه یافته‌های به دست آمده از پژوهش خود تصریح می‌کند که افشاء اطلاعات غیرمالی در زمینه‌های اجتماعی و زیست‌محیطی، فراتر از گزارشگری مالی سنتی، که فقط نیازهای اطلاعاتی ذینفعان در زمینه عملکرد یا وضعیت مالی شرکت را پاسخ می‌دهد، اطلاعات ارزشمندی را برای

مخاطبان گسترده‌تر ارائه داده و به همین دلیل به آنها کمک می‌کند تا اطلاعات مورد نیاز خود در ارتباط با عملکرد پایدار و پاسخ‌گویی شرکت را در راستای مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد پایدار تجاری، به دست آورند. در این زمینه، افشاء اطلاعات مربوط به پایداری می‌تواند به عنوان ابزاری برای شکل‌گیری مشروعیت ادراک شده از شرکت، مورد استفاده قرار گیرد.

۲-۳-۳. تئوری علامت‌دهی

تئوری علامت‌دهی نشان می‌دهد که در شرایط وجود عدم تقارن اطلاعاتی، یک دسته، حزب یا گروهی از ذینفعان تلاش می‌کنند تا اطلاعات خود را به یک شخص ثالث منتقل کند (اسپنس و همکاران^{۳۹}، ۲۰۱۰). عدم مخابره اطلاعات مربوط به عملکرد پایدار یک شرکت می‌تواند به عنوان یکی از مصادیق عدم تقارن اطلاعاتی در نظر گرفته شود، زیرا برای مثال، افراد، کاربران یا ذینفعان خارج از شرکت نظیر سهام‌داران، اعتباردهندگان، نهادهای قانونی، سرمایه‌گذاران، طرفداران محیط‌زیست و به‌طور کلی مردم، با دشواری می‌توانند به بخشی از اطلاعات شرکت در زمینه‌هایی چون عملکرد زیست‌محیطی یا مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت، دست پیدا نمایند. به گفته هاهن و کاهنن^{۴۰} (۲۰۱۳)، شرکت‌ها ممکن است بخواهند این عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش دهند، در این صورت، فعالانه به تهیه و ارائه اطلاعات مربوط به عملکرد پایدار خود به منظور کسب مشروعیت، اقدام خواهند کرد.

۲-۳-۴. تئوری نمایندگی

تئوری نمایندگی به بررسی رابطه بین طرفین قرارداد نمایندگی یعنی کارگزار (مالک) و کارگزار (مدیر یا نماینده)، می‌پردازد که در ارتباط با یک سازمان بیان‌گر وجود رابطه (نمایندگی) بین صاحبان سهام به عنوان مالک و مدیران (نمایندگان آنها در اجرای امور شرکت) می‌باشد. طی سالیان اخیر چه در محافل علمی و چه در پژوهش‌های متعددی که در حوزه مالی و حسابداری صورت گرفته، وجود تضاد منافع و عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران شرکت و سهام‌داران و دیگر ذینفعان، به خوبی شناخته شده است. لذا فرض بر این است که در صورت عدم افشاء عمومی عملکرد شرکت در ابعاد مختلفی چون زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی توسط مدیریت شرکت‌ها، میزان ریسک پذیرفته شده توسط سرمایه‌گذاران به‌طور قابل توجهی افزایش می‌یابد (میشلون و همکاران^{۴۱}، ۲۰۱۵). افزایش ریسک سرمایه‌گذاری متأثر از عدم تقارن اطلاعاتی به‌وجود آمده بین مدیریت شرکت و دیگر ذینفعان از جمله سهام‌داران، باعث می‌شود که ارزش سهام در بازار کاهش یافته و یا تقاضای بازده بیشتری از شرکت‌هایی که به نظر می‌رسد سطح افشاء و گزارشگری مناسبی ندارند، ایجاد شود. بر این اساس فرض می‌شود

که افشاء اطلاعات در همه ابعاد سه‌گانه عملکرد شرکت (اجتماعی، زیست محیطی و نهایتاً اقتصادی)، باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین ذینفعان، کاهش ریسک پذیرفته شده توسط سرمایه‌گذاران، افزایش بازده و کاهش هزینه سرمایه جهت سرمایه‌گذاری در شرکت می‌شود (کازی و یار، ۲۰۱۷).

۵-۳-۲. تئوری‌ها و عوامل موثر بر سطح افشاء اطلاعات پایداری:

الف. اندازه شرکت^{۴۲}: کالک و پروگه^{۴۳} (۲۰۱۰)، ادعا می‌کنند که شرکت‌های بزرگ تحت نظارت عمومی قرار داشته لذا به مشروعیت بیشتری نیاز دارند و از طرفی منابع بیشتری را نیز در اختیار دارند و در قیاس با شرکت‌های کوچک‌تر هزینه‌های گزارش‌دهی بیشتری دارند. مطالعات پیشین تأثیر اندازه شرکت بر افشاء اطلاعات پایداری را به دلایل مختلفی مورد بررسی قرار داده‌اند (مونوا و همکاران، ۲۰۱۸). محققین یاد شده در این زمینه به طور گسترده به تئوری مشروعیت اشاره کرده‌اند.

ب. اهرم مالی^{۴۴}: پیوند بین شیوه‌های افشاء اطلاعات پایداری و اهرم مالی عمدتاً بر اساس تئوری نمایندگی مورد بحث قرار گرفته است. شرکت‌هایی که از ریسک بالایی برخوردار هستند، اطلاعات بیشتری را به منظور کاهش هزینه‌های نمایندگی و به دنبال آن کاهش هزینه‌های سرمایه‌گذاری خود افشاء می‌کنند. علاوه بر این، بر مبنای تئوری ذینفعان و لزوم پاسخ‌گویی شرکت به همه ذینفعان خود، اعتباردهندگان به عنوان یکی از مهم‌ترین ذینفعان، نگرانی‌هایی در مورد بازپرداخت وام و بهره دارند. این امر مستلزم داشتن اطلاعات در مورد پایداری اقتصادی شرکت‌ها می‌باشد، چراکه نیاز به اجتناب از ریسک مرتبط با اقتصاد ناپایدار را دارند. بنابراین انتظار می‌رود شرکت‌ها نگرانی‌های این طبقه از ذینفعان را در نظر گرفته و اطلاعات مورد تاکید آنها را ارائه دهند. (جنسن^{۴۵} و مک‌کلینگ، ۱۹۷۶).

پ. سودآوری^{۴۶} می‌تواند به عنوان یکی از عوامل مهم موثر بر افشاء اطلاعات پایداری باشد، زیرا بر مبنای تئوری مشروعیت شرکت‌های سودآور احتمالاً اطلاعات مربوط به عملکرد پایدار خود را به منظور مشروعیت بخشی به فعالیت‌هایشان بیشتر افشاء می‌کنند. یکی از دلایل ارتباط مثبت بین سودآوری و افشاء اطلاعات پایداری می‌تواند این واقعیت باشد که شرکت‌های سودآور دقیق‌تر مورد بررسی و نظارت عمومی قرار می‌گیرند و نیاز به کسب مشروعیت دارند (لی و همکاران، ۲۰۱۹). از سویی بر مبنای تئوری علامت‌دهی، مدیران در مورد سودآوری شرکت‌ها به بازار علامت‌دهی و اطلاع‌رسانی می‌کنند با توجه به اینکه سرمایه‌گذاران برای ترسیم چشم‌انداز آتی شرکت و اطمینان از توان مالی آن، سودآوری شرکت را در نظر

می‌گیرند. (لای و همکاران^{۴۷}، ۲۰۱۷).

ت. نقدشوندگی دارایی‌ها^{۴۸}: جنیفر هو و تیلور^{۴۹} (۲۰۰۷)، افشاء اطلاعات پایداری شرکت‌ها را بر اساس تئوری علامت‌دهی توضیح می‌دهند. به اعتقاد ایشان در شرکت‌های با توان نقدشوندگی دارایی‌ها در سطوح بالاتر، بیشتر احتمال دارد که اطلاعات مربوط به پایداری را برای تطبیق تعهدات مالی کوتاه‌مدت مورد بررسی قرار دهند. علاوه بر این، افشاء اطلاعات پایداری ممکن است بیان‌گر اعتماد مدیران در بازپرداخت بدهی و چشم‌انداز آینده شرکت باشد. بر اساس رویکرد تئوری علامت‌دهی، در این تحقیق فرض شده است که شرکت‌ها با نسبت نقدشوندگی بالا، امکان انتشار اطلاعات پایداری را در سطوح بالاتر، فراهم می‌کنند.

ث. جریان نقدی آزاد^{۵۰}: نشان دهنده توانایی شرکت در تولید جریان نقدی حاصل از عملیات است و پس از انجام تعهدات خاصی مانند پرداخت سود سهام و هزینه سرمایه، اندازه‌گیری می‌شود. بنابراین، میزان جریان نقد آزاد نشان دهنده ظرفیت مالی یک شرکت برای تأمین انتظارات ذینفعان است. در این راستا، شرکت قادر است تا مقدار کمی از منابع مالی را برای تهیه و افشاء اطلاعات پایداری فراهم کند. علاوه بر این، آکسو و کازداگ^{۵۱} (۲۰۰۶)، بر مبنای یافته‌های خود نشان دادند که رابطه مثبتی بین جریان نقدی آزاد، شفافیت و افشاء مالی وجود دارد. بر اساس مباحث ارائه شده و بر مبنای تئوری علامت‌دهی می‌توان چنین نتیجه گرفت که یک شرکت با افشاء اطلاعات در مورد جریان نقدی آزاد خود ظرفیت و توان سرمایه‌گذاری و بازپرداخت بدهی و همچنین انتشار بیشتر اطلاعات پایداری را نشان می‌دهد.

ج. فرصت‌های رشد^{۵۲}: سطح بالایی از فرصت‌های رشد، احتمالاً یک شرکت را برای پیاده‌سازی روش‌های کسب‌وکار پایدار در استراتژی‌های خود تشویق می‌کند. افشاء هرچه بیشتر اطلاعات می‌تواند نقش قانونی و مشروعیت بخشی در عملیات شرکت‌های در حال رشد را داشته باشد. به عبارت دیگر، پایداری اقتصادی باید با پایداری اجتماعی و محیطی به عنوان امری ضروری در نظر گرفته شود. بنابراین، می‌توان به این نتیجه رسید که در شرکت‌های در حال رشد، بیشتر احتمال دارد که افشاء اطلاعات پایداری در سطوح بالاتری انجام گیرد (آرتیچ و همکاران^{۵۳}، ۲۰۱۰). بر مبنای تئوری علامت‌دهی شرکت‌های برخوردار از فرصت‌های رشد بالاتر، تمایل به افشای اطلاعات خود در این زمینه برای نشان دادن عملکرد مطلوب آتی خود به ذینفعان را دارند (پیوتروسکی^{۵۴}، ۲۰۰۳).

چ. ساختار مالکیت^{۵۵}: از عوامل موثر بر افشاء اطلاعات پایداری می‌باشد. بر مبنای تئوری نمایندگی هزینه‌های نمایندگی ناشی از تفکیک مالکیت و مدیریت و تضاد منافع بین آنها بوده

و در شرکت‌هایی که از ساختار مالکیت پراکنده (غیرمتمرکز) برخوردارند، از سطح هزینه‌های نمایندگی بالاتری برخوردارند (فاما و جنسن، ۱۹۸۳). مکانیزم‌های نظارت که هزینه‌های نمایندگی را کاهش می‌دهند، مانند افشاء اطلاعات پایداری و اطمینان‌بخشی، سود بیشتری را برای شرکت‌هایی که دارای ساختار مالکیت پراکنده هستند، به دنبال دارد. برعکس، شرکت‌های با ساختار مالکیت متمرکز، به دلیل امکان دستیابی به اطلاعات لازم از سوی شرکت، انگیزه کمتری برای افشاء اطلاعات پایداری را خواهند داشت. بر اساس تئوری نمایندگی، شرکت‌هایی که از عدم تمرکز (پراکندگی) بیشتری در ساختار مالکیت برخوردار هستند، انتشار اطلاعات پایداری را در سطح بیشتری منتشر می‌کنند. از سویی عدم تمرکز مالکیت نشان دهنده لزوم بیشتر تعهد و پاسخ‌گویی شرکت نسبت به افشاء اطلاعات پایداری و افزایش اعتبار محتوای افشاء شده به ذینفعان خود بر مبنای تئوری ذینفعان است (نظام و همکاران، ۲۰۱۹).

ح. افشای داوطلبانه اطلاعات: پژوهش‌های اخیر نشان دادند که افشای داوطلبانه

بیشتر، باعث افزایش ارزش شرکت و کاهش هزینه تأمین مالی می‌شود. همچنین اکثر مطالعات پیشین به این نتیجه رسیدند که افشای داوطلبانه بیشتر باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران می‌شود. در محیط‌های با افشای داوطلبانه، گزارش حسابرسی می‌تواند موجب تعدیل ارتباط بین گزارش کنترل داخلی و عدم تقارن اطلاعاتی شود (غفوریان و همکاران، ۱۳۹۸). افشای داوطلبانه می‌تواند نتایج اقتصادی متعددی را در پی داشته باشد؛ از جمله این پیامدها می‌توان به افزایش نقدشوندگی سهام، کاهش هزینه سرمایه شرکت، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و ریسک اطلاعاتی و افزایش دقت پیش‌بینی استفاده‌کنندگان از اطلاعات منجر شود (رحمانی و بشیری‌منش، ۱۳۹۳).

رقابت در بازار محصولات به‌عنوان یکی از عوامل مهم در تصمیم‌های افشای داوطلبانه مدیران، نقش بسزایی ایفا می‌کند؛ بنابراین، رقابت در بازار محصولات که خود یکی از ساز و کارهای برون سازمانی حاکمیت شرکتی است، می‌تواند به عنوان جانشینی در خصوص ساز و کارهای داخلی حاکمیتی استفاده شود. در این راستا، افزایش رقابت در بازار با اعمال فشار بر مدیران در مورد ارائه به موقع و با قابلیت اتکای بالای اطلاعات، منجر به بهبود کیفیت اطلاعات مالی می‌شود (نمازی و همکاران، ۱۳۹۳).

۳. فرضیه‌های پژوهش

بر مبنای ادبیات تحقیق افشاء اطلاعات در زمینه‌های اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی باعث افزایش اعتبار تصویر سازمانی، تقویت روابط با جامعه و مشروعیت بخشی به فعالیت‌های شرکت‌ها می‌شود (کیلیک و کوزی^{۵۶}، ۲۰۱۹).

افشاء مسائل مربوط به عملکرد پایداری به ذینفعان، پاسخ‌گویی و شفافیت عملیات شرکت را تقویت کرده و این امر به نوبه خود به سرمایه‌گذاران در ارزیابی گزینه‌های سرمایه‌گذاری مناسب کمک می‌کند (نوبانی و ایلیلی^{۵۷}، ۲۰۱۶).

مطالعات متعددی شواهدی را نشان دادند که افشای اطلاعات پایداری توسط شرکت‌ها، موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران شده و عملکرد شرکت را در بازار سرمایه، بهبود می‌بخشند (عمر و عثمان^{۵۸}، ۲۰۱۲).

فاما و جنسن (۱۹۸۳) معتقدند که هزینه‌های نمایندگی به دلیل تضاد منافع و در نتیجه عدم تقارن اطلاعاتی بین عناصر درون و برون سازمانی ظاهر می‌شود. از این رو، گزارش‌های پایداری نقش مهمی در کاهش این عدم تقارن دارند.

بر اساس ارزیابی تأثیر افشاء اطلاعات پایداری (اطلاعات مربوط به عملکرد اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی شرکت‌ها) بر متغیر وابسته (کاهش عدم تقارن اطلاعاتی) و بر مبنای ادبیات تحقیق فرضیه‌های اول تا سوم پژوهش به صورت زیر بیان شده‌اند.

۱- افشاء اطلاعات اجتماعی شرکت‌ها بر کاهش عدم تقارن اطلاعاتی تأثیرگذار است.

۲- افشاء اطلاعات زیست محیطی شرکت‌ها بر کاهش عدم تقارن اطلاعاتی تأثیرگذار است.

۳- افشاء اطلاعات اقتصادی شرکت‌ها بر کاهش عدم تقارن اطلاعاتی تأثیرگذار است.

همچنین طبق پژوهش‌های انجام شده، سرمایه‌گذاران به بخش‌هایی از گزارش سالانه که از سایر بخش‌ها مهم‌تر است، توجه بیشتری می‌کنند (الیجیدوتن و همکاران^{۵۹}، ۲۰۱۰). محل افشای اطلاعات در بخش‌های مختلف گزارش سالانه صورت‌های مالی، یادداشت‌های همراه، گزارش حسابرس، گزارش هیئت مدیره به مجمع عمومی و گزارش افزایش سرمایه ممکن است سطح اهمیتی را که یک شرکت برای فعالیت‌ها و عملکرد زیست محیطی و اجتماعی‌اش قائل است منعکس کند (گائو و همکاران^{۶۰}، ۲۰۰۵)، ایشان نشان دادند، بیشترین بخش‌های گزارش سالانه برای افشاء، یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی است.

همچنین همان‌طور که در قسمت ادبیات تحقیق در مورد تاثیر صنعت بر سطح افشاء گفته

شد، مون و کادسون (۲۰۱۸) معتقدند که صناعی که به تاثیرات عملکردشان نسبت به محیط‌زیست، حساسیت وجود دارد، تمایل دارند که عملکرد زیست محیطی خود را افشاء کنند، زیرا آن‌ها احتمالاً به محیط زیست آسیب رسانیده و به این ترتیب مستلزم رعایت جدی‌تر قوانین و مقررات زیست‌محیطی هستند. نظام و همکاران (۲۰۱۹)، نشان دادند که سطح افشاء اطلاعات پایداری با نوع صنعت ارتباط دارد.

لذا بر مبنای ادبیات تحقیق فرضیه چهارم تا ششم به شکل زیر مطرح می‌شود:

۴- سطح افشاء اطلاعات اجتماعی شرکت‌ها، در صنایع مختلف دارای تفاوت معنادار است.

۵- سطح افشاء اطلاعات زیست‌محیطی شرکت‌ها، در صنایع مختلف، دارای تفاوت معنادار

است.

۶- سطح افشاء اطلاعات اقتصادی شرکت‌ها، در صنایع مختلف دارای تفاوت معنادار است.

۴. روش تحقیق

پژوهش حاضر از گونه پژوهش‌های نظری - کاربردی است. از سوی دیگر این پژوهش از نوع بنیادی-تجربی، مطالعه‌ای-کتابخانه‌ای و تحلیلی-علی می‌باشد.

در این تحقیق برای آزمون فرضیه‌های اول تا سوم، ابتدا همبستگی بین متغیرهای پژوهش مورد آزمون قرار گرفت. برای تعیین وجود همبستگی بین متغیرهای پژوهش، اقدام به برآورد مدل رگرسیونی مرکب مبتنی بر تحلیل داده‌های تابلویی با الگوی اثرات ثابت گردید. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. از جامعه آماری، تعداد ۷۶ شرکت از میان شش صنعت منتخب شامل صنعت خودرو و قطعات، صنعت دارویی، صنعت شیمیایی، صنعت غذایی بجز قند و شکر، صنعت فلزات اساسی و صنعت سیمان، گچ و آهک بر اساس نمونه‌گیری تصادفی به عنوان نمونه آماری در نظر گرفته شده است و داده‌های عملکردی این شرکت‌ها طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ مورد بررسی قرار گرفته است. اطلاعات مورد نیاز از صورت‌های مالی شرکت‌ها با نرم‌افزار ره‌آورد نوین جمع‌آوری گردید.

در این تحقیق از اطلاعات اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی شرکت‌ها به عنوان متغیرهای مستقل، از عدم تقارن اطلاعاتی به عنوان متغیر وابسته و از اندازه شرکت، اهرم مالی، ساختار مالکیت، نقدشوندگی دارایی‌ها، جریان نقدی آزاد، سودآوری و فرصت‌های رشد به عنوان متغیرهای کنترلی بهره گرفته شده است.

۴-۱. اندازه‌گیری امتیاز افشاء اطلاعات اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی

برای اندازه‌گیری امتیاز افشاء اطلاعات اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی (اطلاعات پایداری) از چکلیست ارائه شده توسط یوهان و همکاران^{۶۱} (۲۰۱۷)، استفاده شده است. این چکلیست شامل مجموعه‌ای از چند مؤلفه می‌باشد که هر مؤلفه شامل چند شاخص در حوزه اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی شرکت بوده و امتیاز هر یک از شاخص‌ها برابر با عدد یک می‌باشد. پس از بررسی چکلیست فوق در ارتباط با سال-شرکت‌های مورد بررسی، در نهایت تعداد شاخص‌های افشاء شده توسط شرکت (مجموعه اقدامات انجام شده و افشاء شده در زمینه‌های اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی) بر کل تعداد شاخص‌های موجود در چکلیست تقسیم می‌شود.

نگاره ۱: چکلیست اندازه‌گیری اطلاعات اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی (یوهان و همکاران ۲۰۱۷).

مؤلفه	شاخص‌ها (اقدامات قابل انجام در حوزه گزارشگری پایداری)
اجتماعی	سرمایه‌گذاری اجتماعی، حمایت از فعالیت‌های جامعه، هدایا و خدمات خیریه، اقدامات قانونی/دعای حقوقی، فعالیت‌های مذهبی/فرهنگی
زیست محیطی	کنترل آلودگی، جلوگیری از خسارات زیست محیطی، بازیافت یا جلوگیری از ضایعات، حفظ منابع طبیعی، تحقیق و توسعه، سیاست زیست محیطی
اقتصادی	توسعه محصول، سهم بازار، کیفیت محصول، توقف تولید، منابع انسانی: تعداد کارکنان، حقوق ماهانه، پاداش نقدی و مزایا، سهام تحت تملک کارکنان، بازنشستگی و مزایای آموزش و توسعه کارکنان، ورزشی و رفاهی، وام یا بیمه کارکنان، روحیه خدمت، سلامتی و ایمنی در محیط کار، برنامه و ارتباطات کارکنان، سلامتی مشتریان، شکایات/رضایت‌مندی مشتریان، سیاست پرداخت دیرتر برای مشتریان خاص، تدارک تسهیلات و خدمات پس از فروش، پاسخ‌گویی به نیاز مشتریان و سایر مشتریان

۴-۲. اندازه‌گیری عدم تقارن اطلاعاتی

بر مبنای پژوهش‌های ترکسلر و گریلینگ^{۶۱} (۲۰۱۹)، مارتینز فررو و گارسیا سانچز^{۶۲} (۲۰۱۷) از سنجه دقت پیش‌بینی تحلیل‌گران مالی به عنوان معیاری برای اندازه‌گیری عدم تقارن اطلاعاتی استفاده شده است. این سنجه، با این فرض تعریف شده که به موازات افزایش عدم تقارن اطلاعاتی، خطای پیش‌بینی تحلیل‌گران مالی کاهش می‌یابد. تحقیقات نشان

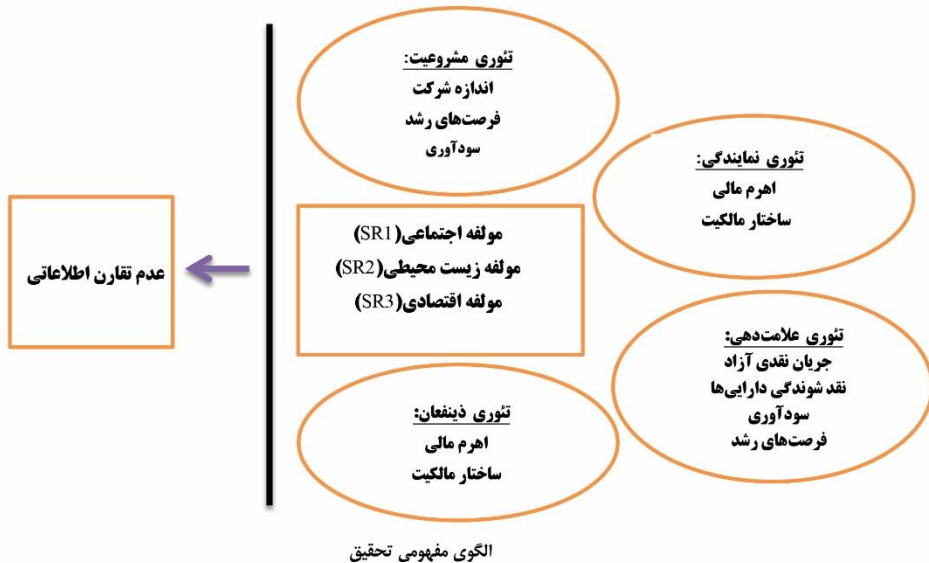
می‌دهد که خطای پیش‌بینی تحلیل‌گران می‌تواند تا حد زیادی سطح عدم تقارن اطلاعاتی را نشان دهد. دقت پیش‌بینی به عنوان مقدار مطلق سود واقعی برای هر سهم منهای میانه سود هر سهم پیش‌بینی شده در طول سال که برای خنثی کردن اثر اندازه شرکت مقدار محاسبه شده بر قیمت روز هر سهم در پایان دوره تقسیم (Pit) و به عنوان یک کمیت نسبی تعریف شده است. تعریف و اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش در نگاره (۱) خلاصه شده است:

نگاره ۲: تعریف و اندازه‌گیری متغیرها

شرح متغیر	کد	تعریف و اندازه‌گیری
اطلاعات اجتماعی (SR1) زیست‌محیطی (SR2) اقتصادی (SR3)	SR	امتیاز شرکت بر مبنای چک‌لیست یوهان و همکاران (۲۰۱۷)
عدم تقارن اطلاعاتی	IA	خطای پیش‌بینی تحلیل‌گران مطابق فرمول (۱) $IA = \frac{\left \text{میانه سود پیش‌بینی شده هر سهم در طول سال} - \text{سود واقعی هر سهم} \right }{P_{it}}$
اندازه شرکت	FS	لگاریتم طبیعی ارزش دفتری دارایی‌ها در پایان دوره
اهرم مالی	FL	بدهی‌های بلندمدت به ارزش دفتری سهام در پایان دوره
ساختار مالکیت	OS	یک منهای نسبت سهام ۵ سهام‌دار عمده شرکت
نقدشوندگی دارایی‌ها	AL	دارایی‌های نقد و شبه نقد (آنی) به جمع دارایی‌ها
جریان نقدی آزاد	FCF	جریان نقدی عملیاتی شرکت در پایان دوره تقسیم بر درآمدهای عملیاتی
سودآوری	P	بازده دارایی‌ها: سود خالص تقسیم بر جمع دارایی‌ها در پایان دوره
فرصت‌های رشد	GO	ارزش روز هر سهم به ارزش دفتری در پایان دوره

۴-۳. الگوی مفهومی تحقیق

بر پایه چارچوب کلی تعریف، دسته‌بندی و تعیین ارتباط بین متغیرها، در ابتدا الگوی مفهومی تحقیق تصویر گردیده، از تئوری‌های نمایندگی، ذینفعان، مشروعیت و علامت‌دهی جهت توضیح‌دهندگی اثر متغیرهای کنترلی بر متغیرهای مستقل (اطلاعات اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی)، بهره گرفته شده است. نهایتاً به بیان روابط بین متغیرها و الگوی ریاضی تحقیق، پرداخته شده است.



۱-۳-۴. الگوی ریاضی تحقیق

براساس الگوی مفهومی تحقیق، ارتباط بین عوامل موثر بر سطح افشاء اطلاعات پایداری (در سه حوزه اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی) و عدم تقارن اطلاعاتی، در قالب الگوی ریاضی ذیل نشان داده شده است.

$$IA_{it} = \beta_0 + \beta_1 SR1_{it} + \beta_2 SR2_{it} + \beta_3 SR3_{it} + \beta_4 FS_{it} + \beta_5 FL_{it} + \beta_6 DO_{it} + \beta_7 AL_{it} + \beta_8 CF_{it} + \beta_9 FP_{it} + \beta_{10} GO_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در این رابطه؛

IA_{it} : متغیر وابسته (عدم تقارن اطلاعاتی)

$SR1_{it}$: متغیر مستقل اجتماعی (امتیاز مربوط به افشاء اطلاعات اجتماعی)

$SR2_{it}$: متغیر مستقل زیست محیطی (امتیاز مربوط به افشاء اطلاعات زیست محیطی)

$SR3_{it}$: متغیر مستقل اقتصادی (امتیاز مربوط به افشاء اطلاعات اقتصادی)، می باشد.

و همچنین از سایر متغیرهای ذیل به عنوان متغیرهای کنترلی که بر اساس مطالعات متون بر افشاء اطلاعات پایداری مهم و اثرگذار بوده اند بهره گرفته شده است:

FS_{it} : اندازه شرکت

FL_{it} : اهرم مالی

OS_{it} : ساختار مالکیت

AL_{it} : نقدشوندگی دارایی‌ها

FCF_{it} : جریان نقدی آزاد

FP_{it} : سودآوری شرکت

GO_{it} : فرصت‌های رشد

و نهایتاً $\varepsilon_{i,t}$ به عنوان باقی مانده یا خطای در برآورد تعریف شده است.

۵. یافته‌ها تحقیق

افشاء اطلاعات اجتماعی، زیست‌محیطی، اقتصادی و عدم تقارن اطلاعاتی در صنایع منتخب در این بخش ارتباط میان افشاء اطلاعات اجتماعی، زیست‌محیطی، اقتصادی با عدم تقارن اطلاعاتی به تفکیک ۶ صنعت منتخب از میان ۲۵ صنعت که از اهمیت و همچنین سطح افشاء نسبی خوبی برخوردار بودند شامل: صنعت خودرو و قطعات، صنعت سیمان، صنعت شیمیایی، صنعت غذایی، صنعت فلزات اساسی و صنعت دارویی، به صورت جداگانه بررسی و برآورد شده است.

۵-۱. صنعت خودرو و قطعات

این صنعت به عنوان صنعتی قدیمی و مهم که سهم زیادی از تولید ناخالص ملی کشور را به خود اختصاص داده است، در کلیه بخش‌های چرخه حیات خود، از بهره‌برداری از منابع طبیعی، ساخت، تولید، مصرف و پس از مصرف در تعامل مستقیم و غیرمستقیم با محیط‌زیست قرار دارد. ضرورت‌هایی مانند پیوستن به سازمان تجارت جهانی، افزایش قوانین بین‌المللی زیست‌محیطی و تأکید مشتریان بر استفاده از محصولات سبز سازگار با محیط‌زیست، توجه به اطلاعات و عملکرد غیرمالی (مسئولیت‌پذیری اجتماعی و زیست‌محیطی شرکت‌ها)، ضمن تولید و ارائه محصولات و خدمات در صنایع کشور، ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. به این ترتیب شناسایی و اجرای مدیریت سبز در صنعت خودروسازی می‌تواند بر کنترل و کاهش پیامدهای منفی توسعه صنعتی بر محیط‌زیست مؤثر باشد.

از صنعت خودرو و قطعات در این پژوهش تعداد ۱۶ شرکت به عنوان نمونه آماری، انتخاب

گردید.

نگاره ۳: افشاء اطلاعات اجتماعی، زیست‌محیطی، اقتصادی و عدم تقارن اطلاعاتی

در صنعت خودرو و قطعات

$IA_{it} = \beta_0 + \beta_1 SR1_{it} + \beta_2 SR2_{it} + \beta_3 SR3_{it} + \beta_4 FS_{it} + \beta_5 FL_{it} + \beta_6 DO_{it} + \beta_7 AL_{it} + \beta_8 CF_{it} + \beta_9 FP_{it} + \beta_{10} GO_{it} + \varepsilon_{it}$				
متغیر توضیحی	ضریب	آماره t	احتمال	نوع رابطه
عرض از مبدأ	۰/۳۹۵	۰/۷۰۷	۰/۴۸۱۰	-
اطلاعات اجتماعی	-۰/۰۱۸	-۲/۲۲۷	۰/۰۲۷۸	معنادار در سطح ۹۵ درصد
اطلاعات زیست‌محیطی	-۰/۱۳۴	-۲/۱۸۶	۰/۰۳۰۸	معنادار در سطح ۹۵ درصد
اطلاعات اقتصادی	-۰/۲۳۱	-۱/۷۰۶	۰/۰۹۰۶	معنادار در سطح ۹۰ درصد
اندازه شرکت	-۰/۰۱۶	-۰/۶۱۹	۰/۵۳۷۱	-
اهرم مالی	-۰/۳۶۵	-۳/۶۸۹	۰/۰۰۰۴	معنادار در سطح ۹۹ درصد
ساختار مالکیت	-۰/۲۹۲	-۲/۷۴۶	۰/۰۰۷۰	معنادار در سطح ۹۹ درصد
نقدشوندگی دارایی‌ها	۰/۴۲۶	۲/۴۴۴	۰/۰۱۶۰	معنادار در سطح ۹۵ درصد
جریان نقدی آزاد	-۰/۱۳۶	-۱/۹۷۷	۰/۰۵۰۷	معنادار در سطح ۹۵ درصد
سودآوری	-۰/۳۳۳	-۳/۰۶۳	۰/۰۰۲۸	معنادار در سطح ۹۹ درصد
فرصت‌های رشد	-۰/۰۰۲	-۱/۱۷۳	۰/۲۴۳۴	-
آزمون فیشر (آنالیز)	آماره فیشر	۲/۷۰۷	سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰)	
اعتبارسنجی	ضریب تعیین	۰/۳۹۹	ضریب تعیین تعدیل‌شده ۰/۲۵۵	

بر مبنای نگاره (۳)، ضریب تعیین نشان داد که بین ۳۹/۸۸ تا ۲۵/۱۵ درصد از تغییرات متغیرها تبیین شده و رابطه نسبتاً متوسط خطی بین عدم تقارن اطلاعاتی به عنوان متغیر وابسته، اطلاعات اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی، به عنوان متغیرهای مستقل و اندازه شرکت، اهرم مالی، ساختار مالکیت، نقدشوندگی دارایی‌ها، جریان نقدی آزاد، سودآوری و فرصت‌های رشد به عنوان متغیرهای کنترلی، در صنعت خودرو و قطعات وجود داشته است.

شیب متغیرهای مستقل اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی با نمادهای β_1 ، β_2 و β_3 نشان داده شده و به ترتیب برابر با $-۰/۰۱۹$ ، $-۰/۱۳۴$ و $-۰/۲۳۱$ برآورد شده است. منفی بودن این ضرایب نشان دهنده تأثیر منفی افشاء اطلاعات در زمینه‌های فوق بر عدم تقارن اطلاعاتی می‌باشد. آماره تی استیودنت متناظر با ضرایب نیز به ترتیب برابر $-۲/۲۲۸$ ، $-۲/۱۸۶$ و $-۱/۷۰۶$ و سطوح معنی‌داری متناظر با آنها برابر با $۰/۰۲۷۸$ ، $۰/۰۳۰۸$ و $۰/۰۹۰۶$ به سمت صفر میل کرده و کمتر از ۵ درصد بوده است. لذا قابلیت تعمیم رابطه معکوس بین افشاء اطلاعات اجتماعی، زیست‌محیطی، اقتصادی و عدم تقارن اطلاعاتی در این صنعت، در سطح ۹۵ درصد

پذیرفته شده است.

۲-۵. صنعت سیمان آهک و گچ

صنعت سیمان آهک و گچ از نظر درجه اهمیت، همپای صنایعی مانند فولاد و پتروشیمی است و همواره در اقتصاد ملی، برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌های کلان و توسعه‌ای نقش به‌سزایی داشته و از کارآیی مطلوب برخوردار است. این صنعت با توجه به ظرفیت‌های بالقوه می‌تواند گسترش و رونق سایر فعالیت‌های "هم‌نیاز" و "پیش‌نیاز" و همچنین در جهت صادرات غیرنفتی از حیث "وزن" و "ارزش"، نقش مهمی، داشته باشد. مخاطرات زیست‌محیطی این صنعت در سطح بالای بوده و لزوم توجه به آن همواره در صنعت کشور مورد بحث بوده است. از صنعت سیمان، آهک و گچ، در این پژوهش تعداد ۹ شرکت به عنوان نمونه آماری، انتخاب گردید.

نگاره ۴: افشاء اطلاعات اجتماعی، زیست‌محیطی، اقتصادی و عدم تقارن

اطلاعاتی در صنعت سیمان آهک و گچ

$IA_{it} = \beta_0 + \beta_1 SR1_{it} + \beta_2 SR2_{it} + \beta_3 SR3_{it} + \beta_4 FS_{it} + \beta_5 FL_{it} + \beta_6 DO_{it} + \beta_7 AL_{it} + \beta_8 CF_{it} + \beta_9 FP_{it} + \beta_{10} GO_{it} + \varepsilon_{it}$				
متغیر توضیحی	ضریب	آماره t	احتمال	نوع رابطه
عرض از مبدأ	۰/۸۳۹	۱/۱۱۶	۰/۲۶۹۲	-
اطلاعات اجتماعی	-۰/۱۲۵	-۲/۶۹۴	۰/۰۰۹۴	معنادار در سطح ۹۹
اطلاعات زیست‌محیطی	-۰/۴۹۲	-۲/۲۶۵	۰/۰۲۷۶	معنادار در سطح ۹۵
اطلاعات اقتصادی	-۱/۱۲۰	-۲/۸۸۶	۰/۰۰۵۶	معنادار در سطح ۹۹
اندازه شرکت	-۰/۰۲۳	-۰/۴۹۸	۰/۶۱۹۹	-
اهرم مالی	-۰/۰۷۸	-۱/۷۶۳	۰/۰۸۳۵	معنادار در سطح ۹۰
ساختار مالکیت	-۰۰۴۰	-۰/۱۱۴	۰/۹۰۹۳	-
نقدشوندگی دارایی‌ها	۰/۶۷۷	۴/۷۴۵	۰/۰۰۰۰	معنادار در سطح ۹۹
جریان نقدی آزاد	-۰/۱۳۷	-۲/۱۴۱	۰/۰۳۶۸	معنادار در سطح ۹۵
سودآوری	-۰/۲۳۰	-۱/۷۵۲	۰/۰۸۵۵	معنادار در سطح ۹۰
فرصت‌های رشد	-۰/۰۰۲	-۴/۴۵۰	۰/۰۰۰۰	معنادار در سطح ۹۹
آزمون فیشر (آنالیز واریانس)	آماره فیشر	سطح معنی داری (۰/۰۰۰)		
اعتبارسنجی	ضریب تعیین ۰/۵۷۰	ضریب تعیین تعدیل‌شده ۰/۴۲۴		

ضریب تعیین نشان داد که بین ۴۲/۴۱ تا ۵۷/۰۱ درصد از تغییرات متغیرها تبیین شده و رابطه متوسط خطی بین عدم تقارن اطلاعاتی به عنوان متغیر وابسته، اطلاعات اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی، به عنوان متغیرهای مستقل و اندازه شرکت، اهرم مالی، ساختار مالکیت، نقدشوندگی دارایی‌ها، جریان نقدی آزاد، سودآوری و فرصت‌های رشد به عنوان متغیرهای کنترلی، در صنعت سیمان، آهک و گچ وجود داشته است.

شیب متغیرهای مستقل اطلاعات اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی، با نمادهای β_1 ، β_2 و β_3 نشان داده شده و به ترتیب برابر با ۰/۱۲۵-، ۰/۴۹۳- و ۱/۱۲۰- برآورد شده است. منفی بودن این ضرایب نشان دهنده تأثیر منفی افشاء اطلاعات در زمینه‌های فوق بر عدم تقارن اطلاعاتی می‌باشد. آماره تی استیودنت متناظر با ضرایب نیز به ترتیب برابر ۲/۶۹۵-، ۲/۲۶۵- و ۲/۸۸۶- و سطوح معنی‌داری متناظر با آنها برابر ۰/۰۰۹۴، ۰/۰۲۷۶ و ۰/۰۰۵۶ به سمت صفر میل کرده و کمتر از ۵ درصد بوده است. لذا قابلیت تعمیم رابطه معکوس بین افشاء اطلاعات اجتماعی، زیست محیطی، اقتصادی و عدم تقارن اطلاعاتی در این صنعت، در سطح ۹۵ درصد پذیرفته شده است.

۳-۵. صنعت شیمیایی

صنایع شیمیایی اهمیت بسیار زیادی در ثروت یک کشور دارد. به عنوان مثال، صنایع شیمیایی، بیش از ۱٪ به تولید ناخالص ملی (GNP) کشورهای اروپایی کمک می‌کند که بیش از ۶٪ کل GNP تولید شده توسط تمام صنایع تولیدی است. با انجام عملیات شیمیایی بر روی نفت خام، گاز طبیعی و زغال سنگ می‌توان صدها فرآورده بسیار مهم و ارزشمند مانند انواع بنزین‌ها، نفت و گازوئیل، انواع روغن‌ها، گاز شهری، زغال کک و صدها محصول پتروشیمی دیگر را به دست آورد که این عملیات به شدت بر سلامت محیط‌زیست اثرگذار است.

از صنعت شیمیایی در این پژوهش تعداد ۸ شرکت به عنوان نمونه‌آماري، انتخاب گردید.

نگاره ۵: افشاء اطلاعات اجتماعی، زیست‌محیطی، اقتصادی و عدم تقارن اطلاعاتی در صنعت

شیمیایی

$$IA_{it} = \beta_0 + \beta_1 SR1_{it} + \beta_2 SR2_{it} + \beta_3 SR3_{it} + \beta_4 FS_{it} + \beta_5 FL_{it} + \beta_6 DO_{it} + \beta_7 AL_{it} + \beta_8 CF_{it} + \beta_9 FP_{it} + \beta_{10} GO_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیر توضیحی	ضریب	آماره t	احتمال	نوع رابطه
عرض از مبدأ				
اطلاعات اجتماعی				
اطلاعات زیست‌محیطی				
اطلاعات اقتصادی				
اندازه شرکت				
اهرم مالی				
ساختار مالکیت				
نقدشوندگی دارایی‌ها				
جریان نقدی آزاد				
سودآوری				
فرصت‌های رشد				
آزمون فیشر (آنالیز واریانس)				
اعتبارسنجی	ض			ضریب

ضریب تعیین نشان داد که بین ۴۵/۷۸ تا ۶۰/۴۱ درصد از تغییرات متغیرها تبیین شده و رابطه متوسط خطی بین عدم تقارن اطلاعاتی به عنوان متغیر وابسته، اطلاعات اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی، به عنوان متغیرهای مستقل و از اندازه شرکت، اهرم مالی، ساختار مالکیت، نقدشوندگی دارایی‌ها، جریان نقدی آزاد، سودآوری و فرصت‌های رشد به عنوان متغیرهای کنترلی، در صنعت شیمیایی وجود داشته است.

شیب متغیرهای مستقل اطلاعات اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی با نمادهای β_1 ، β_2 و β_3 نشان داده شده و به ترتیب برابر با ۰/۰۷۸، -۰/۷۳۷ و -۱/۱۴۰ برآورد شده است. منفی بودن این ضرایب نشان دهنده تأثیر منفی افشاء اطلاعات در زمینه‌های فوق بر عدم تقارن اطلاعاتی می‌باشد. آماره تی استیودنت متناظر با ضرایب نیز به ترتیب برابر ۱/۷۶۳، -۳/۵۵۹ و ۲/۵۸۷ و سطوح معنی‌داری متناظر با آنها برابر ۰/۰۸۳۵، ۰/۰۰۰۹ و ۰/۰۱۲۹ به سمت صفر میل کرده و کمتر از ۵ درصد بوده است. لذا قابلیت تعمیم رابطه معکوس بین افشاء اطلاعات

اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی با عدم تقارن اطلاعاتی در صنعت شیمیایی، در سطح ۹۵ درصد پذیرفته شده است.

۴-۵. صنعت غذایی

بر اساس افق ۱۴۰۴، ایران باید میزان تولید محصولات کشاورزی را به ۳۰۰ هزار تن برساند. بررسی‌ها نشان می‌دهد صنایع غذایی بالاترین سهم را در ایجاد اشتغال در کشور داشته است و پیش‌بینی‌ها بر این نکته استوار است که این بخش امکان توسعه اشتغال در اقتصاد کشور را بیش از سایر بخش‌های صنعتی خواهد داشت. صنایع مواد غذایی به‌تنهایی ۱۶/۸ درصد از کل اشتغال صنعتی کشور را از آن خود کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند زمینه توسعه رقابت‌پذیری صنایع غذایی در ایران را فراهم کند، توجه به مسئولیت‌های اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی است.

از صنعت غذایی در این پژوهش تعداد ۱۱ شرکت به عنوان نمونه آماری در این صنعت انتخاب گردید.

نگاره ۶: افشاء اطلاعات اجتماعی، زیست‌محیطی، اقتصادی و عدم تقارن اطلاعاتی

در صنعت غذایی

$IA_{it} = \beta_0 + \beta_1 SR1_{it} + \beta_2 SR2_{it} + \beta_3 SR3_{it} + \beta_4 FS_{it} + \beta_5 FL_{it} + \beta_6 DO_{it} + \beta_7 AL_{it} + \beta_8 CF_{it} + \beta_9 FP_{it} + \beta_{10} GO_{it} + \varepsilon_{it}$				
متغیر توضیحی	ضریب	آماره t	احتمال	نوع رابطه
عرض از مبدأ	۰/۸۹۹	۱/۸۵۷	۰/۰۶۷۶	معنادار در سطح ۹۵ درصد
اطلاعات اجتماعی	-۰/۱۵۷	-۱/۸۰۸	۰/۰۷۴۵	معنادار در سطح ۹۵ درصد
اطلاعات زیست‌محیطی	-۰/۳۸۷	-۲/۵۷۹	۰/۰۱۲۱	معنادار در سطح ۹۹ درصد
اطلاعات اقتصادی	-۱/۲۹۲	-۲/۴۲۷	۰/۰۱۷۵	معنادار در سطح ۹۹ درصد
اندازه شرکت	-۰/۰۶۳	-۱/۴۵۲	۰/۱۵۰۹	معنادار در سطح ۹۹ درصد
اهرم مالی	۰/۰۷۲	۰/۲۸۲	۰/۷۷۸۶	معنادار در سطح ۹۵ درصد
ساختار مالکیت	۰/۱۱۲	۰/۶۴۶	۰/۵۲۰۳	معنادار در سطح ۹۹ درصد
نقدشوندگی دارایی‌ها	۰/۴۰۵	۱/۸۲۱	۰/۰۷۲۴	-
جریان نقدی آزاد	-۰/۳۲۲	-۲/۲۴۸	۰/۰۲۷۹	-
سودآوری	-۰/۶۳۱	۰/۲۰۷۳	۰/۰۴۲۰	معنادار در سطح ۹۵ درصد
فرصت‌های رشد	۰/۰۰۱	۰/۱۳۴	۰/۸۹۳۳	-

متغیر توضیحی	ضریب	آماره t	احتمال	نوع رابطه
آزمون فیشر(آنالیز واریانس)	آماره فیشر			سطح معنی داری (۰/۰۰۷)
اعتبارسنجی	ضریب تعیین ۰/۴۰۳			ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۲۲۵

ضریب تعیین نشان داد که بین ۲۲/۵۵ تا ۴۰/۳۵ درصد از تغییرات متغیرها تبیین شده و رابطه متوسط خطی بین عدم تقارن اطلاعاتی به عنوان متغیر وابسته، اطلاعات اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی، به عنوان متغیرهای مستقل، اندازه شرکت، اهرم مالی، ساختار مالکیت، نقدشوندگی دارایی‌ها، جریان نقدی آزاد، سودآوری و فرصت‌های رشد به عنوان متغیرهای کنترلی، در صنعت غذایی وجود داشته است.

شیب متغیرهای مستقل اطلاعات اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی با نمادهای β_1 ، β_2 و β_3 نشان داده شده و به ترتیب برابر با ۰/۱۵۷-، ۰/۳۸۷- و ۱/۲۹۲- برآورد شده است. منفی بودن این ضرایب نشان دهنده تأثیر منفی افشاء اطلاعات مذکور بر عدم تقارن اطلاعاتی می‌باشد. آماره تی استیودنت متناظر با ضرایب نیز به ترتیب برابر ۱/۸۰۸-، ۲/۵۷۹- و ۲/۴۲۸- و سطوح معنی‌داری متناظر با آنها برابر ۰/۰۷۴۵، ۰/۰۱۲۱ و ۰/۰۱۷۵ به سمت صفر میل کرده و کمتر از ۵ درصد بوده است. لذا قابلیت تعمیم رابطه معکوس بین افشاء اطلاعات اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی با عدم تقارن اطلاعاتی در صنعت غذایی، در سطح ۹۵ درصد پذیرفته شده است.

۶-۵. صنعت فلزات اساسی

صنعت فلزات اساسی در ایران نقش مسلم را در اقتصاد کشور دارد. با توجه به سهم درخور توجه شرکت‌های فعال در صنعت ایران، در تأمین نهادهای واسطه‌ای مورد نیاز صنایع پایین‌دست، بررسی عملکرد پایدار این صنعت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار خواهد بود. همچنین بالاترین جایگاه در گروه‌های موثر بر رشد بازار سهام و معاملات بورس، متعلق به خانواده فلزات اساسی است و معاملات سهام و محصولات شرکت‌های این صنعت در رشد شاخص‌های بورس و توسعه اقتصاد ایران نقش مهم و حائز اهمیتی دارند.

از صنعت فلزات اساسی در این پژوهش تعداد ۱۱ شرکت به عنوان نمونه آماری، انتخاب

گردید.

نگاره ۷: افشاء اطلاعات اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی و عدم تقارن اطلاعاتی در صنعت فلزات اساسی

$IA_{it} = \beta_0 + \beta_1 SR1_{it} + \beta_2 SR2_{it} + \beta_3 SR3_{it} + \beta_4 FS_{it} + \beta_5 FL_{it} + \beta_6 DO_{it} + \beta_7 AL_{it} + \beta_8 CF_{it} + \beta_9 FP_{it} + \beta_{10} GO_{it} + \varepsilon_{it}$				
متغیر توضیحی	ضریب	آماره t	احتمال	نوع رابطه
عرض از مبدأ	-۱/۳۲۰	-۲/۰۷۶	۰/۰۴۲۷	معنادار در سطح ۹۵ درصد
اطلاعات اجتماعی	-۰/۴۲۶	-۱/۷۶۷	۰/۰۸۲۹	معنادار در سطح ۹۵ درصد
اطلاعات زیست محیطی	-۰/۱۴۴	-۳/۱۲۹	۰/۰۰۳۱	معنادار در سطح ۹۹ درصد
اطلاعات اقتصادی	-۰/۳۰۶	-۲/۹۶۷	۰/۰۰۴۸	معنادار در سطح ۹۹ درصد
اندازه شرکت	۰/۰۸۲	۱/۶۸۴	۰/۰۹۸۰	معنادار در سطح ۹۰ درصد
اهرم مالی	۰/۰۲۸	۰/۲۵۷	۰/۷۹۷۶	-
ساختار مالکیت	-۰/۰۲۳	-۰/۶۴۲	۰/۵۲۲۷	-
نقدشوندگی دارایی‌ها	۰/۳۲۳	۲/۵۴۵	۰/۰۱۴۳	معنادار در سطح ۹۵ درصد
جریان نقدی آزاد	-۰/۳۴۴	-۲/۴۸۸	۰/۰۱۶۰	معنادار در سطح ۹۵ درصد
سودآوری	-۰/۴۲۲	-۴/۳۸۲	۰/۰۰۰۱	معنادار در سطح ۹۹ درصد
فرصت‌های رشد	-۰/۰۰۸	-۰/۴۲۲	۰/۰۱۸۱	معنادار در سطح ۹۵ درصد
آزمون فیشر (آنالیز واریانس)	آماره فیشر	سطح معنی داری (۰/۰۰۰)		
اعتبارسنجی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۱۰۱		

ضریب تعیین نشان داد که بین ۱۰/۱۴ تا ۳۰/۸۰ درصد از تغییرات متغیرها تبیین شده و رابطه متوسط خطی بین عدم تقارن اطلاعاتی به عنوان متغیر وابسته، اطلاعات اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی، به عنوان متغیرهای مستقل و اندازه شرکت، اهرم مالی، ساختار مالکیت، نقدشوندگی دارایی‌ها، جریان نقدی آزاد، سودآوری و فرصت‌های رشد به عنوان متغیرهای کنترلی، در صنعت فلزات اساسی وجود داشته است.

شیب متغیرهای مستقل اطلاعات اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی با نمادهای β_1 ، β_2 و β_3 نشان داده شده و به ترتیب برابر با -۰/۴۲۶، -۰/۱۴۴ و -۰/۳۰۶ برآورد شده است. منفی بودن این ضرایب نشان دهنده تأثیر منفی افشاء اطلاعات مذکور بر عدم تقارن اطلاعاتی می‌باشد. آماره تی استیودنت متناظر با ضرایب نیز به ترتیب برابر ۱/۷۶۷، -۳/۱۲۹ و -۲/۹۶۷ و سطوح معنی داری متناظر با آنها برابر ۰/۰۸۲۹، ۰/۰۰۳۱ و ۰/۰۰۴۸ به سمت صفر میل کرده

و کمتر از ۵ درصد بوده است. لذا قابلیت تعمیم رابطه معکوس بین افشاء اطلاعات اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی با عدم تقارن اطلاعاتی در این صنعت، در سطح ۹۵ درصد پذیرفته شده است.

۷-۵. صنعت دارویی

توسعه صنعت دارویی یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی کشورها به شمار می‌رود بنابراین امروز جهان به دنبال توسعه بازارهای دارویی خود است و ایران نیز به‌ویژه در سال‌های اخیر توسعه بازار دارویی خود را هدف‌گذاری کرده است. با این وجود صادرات داروی ایران در بازارهای توسعه‌یافته جایگاهی ندارد. موانع موجود بر سر راه صنعت دارویی کشور را می‌توان در سه دسته «عدم وجود فرصت‌های صادراتی مناسب برای محصولات دارویی، عدم دسترسی راحت به مواد اولیه وارداتی و نبود برنامه‌ریزی مناسب در مورد نام‌های تجاری ایرانی» تقسیم‌بندی کرد. برنامه‌ریزی برای پیوستن به تجارت جهانی و نیز حفظ و گسترش سهم بازارهای صادراتی نیازمند رعایت مقررات تجارت بین‌المللی و حرکت در مسیر اهداف توسعه پایدار می‌باشد و باید در اولویت شرکت‌های دارویی قرار بگیرد. از صنعت دارویی در این پژوهش تعداد ۱۹ شرکت به عنوان نمونه آماری، انتخاب گردید.

نگاره ۸: افشاء اطلاعات اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی و عدم تقارن اطلاعاتی در

صنعت دارویی

$IA_{it} = \beta_0 + \beta_1 SR1_{it} + \beta_2 SR2_{it} + \beta_3 SR3_{it} + \beta_4 FS_{it} + \beta_5 FL_{it} + \beta_6 DO_{it} + \beta_7 AL_{it} + \beta_8 CF_{it} + \beta_9 FP_{it} + \beta_{10} GO_{it} + \varepsilon_{it}$				
متغیر توضیحی	ضریب	آماره t	احتمال	نوع رابطه
عرض از مبدأ	۰/۰۰۹۲	۰/۱۴۱۳	۰/۸۸۷۸	-
اطلاعات اجتماعی	-۰/۰۰۸۱	-۲/۰۲۹۲	۰/۰۴۴۶	معنادار در سطح ۹۵ درصد
اطلاعات زیست‌محیطی	-۰/۰۶۲۹	-۲/۳۲۸۹	۰/۰۲۱۵	معنادار در سطح ۹۵ درصد
اطلاعات اقتصادی	-۰/۱۴۸۱	-۲/۷۴۶۶	۰/۰۰۶۹	معنادار در سطح ۹۹ درصد
اندازه شرکت	۰/۰۲۱۶	۲/۳۱۲۹	۰/۰۲۱۲	معنادار در سطح ۹۵ درصد
اهرم مالی	-۰/۰۳۹۶	-۹/۳۱۲۵	۰/۰۰۰۰	معنادار در سطح ۹۹ درصد
ساختار مالکیت	-۰/۰۱۰۳	-۶/۴۱۸۷	۰/۰۰۰۰	معنادار در سطح ۹۹ درصد
نقدشوندگی دارایی‌ها	۰/۰۵۰۰	۰/۸۲۰۱	۰/۴۱۲۶	-

متغیر توضیحی	ضریب	آماره t	احتمال	نوع رابطه
جریان نقدی آزاد	-۰/۰۱۳۸	-۴/۶۳۳۹	۰/۰۰۰۰	معنادار در سطح ۹۹ درصد
سودآوری	-۰/۲۶۶۶	-۱/۶۱۷۴	۰/۰۹۹۶	معنادار در سطح ۹۰ درصد
فرصت‌های رشد	-۰/۰۰۷۹	-۰/۲۱۰۶	۰/۸۳۳۵	-
آزمون فیشر(آنالیز واریانس)	آماره فیشر	۴/۰۳۷	سطح معنی داری (۰/۰۰۰)	
اعتبارسنجی	ضریب تعیین	۰/۴۸۹	ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۳۶۱	

ضریب تعیین نشان داد که بین ۳۶/۱۱ تا ۴۸/۹۱ درصد از تغییرات متغیرها تبیین شده و رابطه متوسط خطی بین عدم تقارن اطلاعاتی به عنوان متغیر وابسته، اطلاعات اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی، به عنوان متغیرهای مستقل و اندازه شرکت، اهرم مالی، ساختار مالکیت، نقدشوندگی دارایی‌ها، جریان نقدی آزاد، سودآوری و فرصت‌های رشد به عنوان متغیرهای کنترلی، در صنعت دارویی وجود داشته است.

شیب متغیرهای مستقل اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی با نمادهای β_1 ، β_2 و β_3 نشان داده شده و به ترتیب برابر با $-۰/۰۰۸$ ، $-۰/۰۶۲$ و $-۰/۱۴۸$ برآورد شده است. منفی بودن این ضرایب نشان دهنده تأثیر منفی افشای اطلاعات زمینه‌های مذکور بر عدم تقارن اطلاعاتی می‌باشد. آماره تی استیودنت متناظر با ضرایب نیز به ترتیب برابر $-۲/۰۲۹$ ، $-۲/۳۲۸$ و $-۲/۷۴۶$ و سطوح معنی داری متناظر با آنها برابر $۰/۰۴۴۶$ ، $۰/۰۲۱۵$ و $۰/۰۰۶۹$ به سمت صفر میل کرده و کمتر از ۵ درصد بوده است. لذا قابلیت تعمیم رابطه معکوس بین افشاء اطلاعات اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی و عدم تقارن اطلاعاتی در صنعت دارویی، در سطح ۹۵ درصد پذیرفته شده است.

۸-۵. سطح افشاء و تأثیر صنعت

نظام و همکاران (۲۰۱۹)، بر مبنای تحقیقات خویش نشان دادند که سطح افشاء اطلاعات پایداری با نوع صنعت ارتباط دارد.

مون و کادسون (۲۰۱۸)، معتقدند که صنایعی که به تأثیرات عملکردشان نسبت به محیط زیست، حساسیت وجود دارد، تمایل دارند که عملکرد زیست محیطی خود را افشاء کنند، زیرا آن‌ها احتمالاً به محیط زیست آسیب رسانیده و به این ترتیب مستلزم رعایت جدی‌تر قوانین و مقررات زیست محیطی هستند. مطالعات پیشین شواهدی ارائه داده‌اند که نوع صنعت تأثیر

قابل توجهی بر افشاء اطلاعات پایداری دارد.

در این قسمت نیز به منظور بررسی تأثیر صنعت بر سطح افشاء و آزمون فرضیه‌های چهارم تا ششم پژوهش مبنی بر وجود یا عدم وجود تفاوت معنادار در سطح اطلاعات افشاء شده در زمینه‌های اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی شرکت‌ها از تحلیل واریانس استفاده شده است.

با توجه به نتایج تحلیل واریانس می‌توان چنین استنباط کرد:

سطح معناداری متناظر با متغیر مستقل اطلاعات اجتماعی برابر $0/000$ بوده است، فرض صفر رد شده در نتیجه سطح افشاء مربوط به اطلاعات اجتماعی شرکت‌ها در صنایع مختلف یکسان نبوده و دارای تفاوت معنادار است، لذا فرضیه چهارم پذیرفته می‌شود. سطح معناداری متناظر با متغیر مستقل اطلاعات زیست محیطی نیز برابر $0/000$ بوده است، فرض صفر رد شده در نتیجه سطح افشاء مربوط به اطلاعات زیست محیطی شرکت‌ها در صنایع مختلف یکسان نبوده و دارای تفاوت معنادار است، لذا فرضیه پنجم پذیرفته می‌شود. سطح معناداری متناظر با متغیر مستقل اطلاعات اقتصادی بالاتر از $0/000$ بوده است، فرض صفر پذیرفته شده در نتیجه سطح افشاء مربوط به اطلاعات اقتصادی شرکت‌ها در صنایع مختلف تقریباً یکسان بوده و دارای تفاوت معنادار نمی‌باشد و فرضیه ششم مورد قبول واقع نشده و رد می‌شود. همچنین اولویت افشاء در این صنایع به ترتیب مربوط به اطلاعات زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی می‌باشد.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادهای تحقیق

در بازار نوپای سرمایه ایران، به دلیل عدم وجود مقررات و الزامات اجرایی لازم برای شرکت‌ها جهت افشاء اطلاعات عملکرد اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی که از نوع اطلاعات محرمانه شرکتی تلقی می‌شود، این امر به صورت داوطلبانه بوده و از سطح مطلوبی برخوردار نیست. بر مبنای ادبیات تحقیق، شرکت‌ها برای ادامه فعالیت خویش نیاز به کسب مشروعیت از تمام ذینفعان خود دارند. لذا باید تأثیرات عملکردشان نسبت به محیط زیست و جامعه را مد نظر قرار داده و در این زمینه اطلاعات لازم جهت تصمیم‌گیری ذینفعانشان را افشاء سازند. افشاء اطلاعات مذکور ابزاری در راستای ایفای نقش پاسخ‌گویی شرکت‌ها می‌باشد. با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های تحقیق که نشان داد در صنایع مختلف، افشاء این اطلاعات در سطوح متفاوتی قرار دارد، نتیجه‌گیری می‌شود مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی شرکت‌ها نسبت به تأثیرات عملکردشان بر سطح وسیعی از ذینفعان خود نسبت به مسائل اجتماعی و زیست

محیطی و اقتصادی بر اساس نوع صنعت، میزان حساسیت به عملیات و تاثیرات عملکرد آنها بر محیط زیست و جامعه، متفاوت است.

از سویی بر مبنای ادبیات تحقیق حاضر چنانچه اطلاعات مذکور توسط مدیریت شرکت به صورت کامل و دقیق و در سطح مطلوبی افشاء نشود، میان ذینفعان داخلی و خارجی شرکت، عدم تقارن اطلاعاتی وجود خواهد داشت که این موضوع پیامدهایی مانند ایجاد خطر اخلاقی و سوء استفاده از سوی افراد با سطح اطلاعاتی بالاتر و در مقابل خطر گزینش نامناسب گزینه‌های سرمایه‌گذاری توسط افراد با سطح اطلاعاتی پایین‌تر را به دنبال دارد و به ناکارآمدی بازار و عدم اطمینان سرمایه‌گذار و نهایتاً کاهش ارزش شرکتی می‌انجامد. در مقابل با توجه به نتایج آزمون فرضیه‌های اول تا سوم تحقیق، در صورت افشاء اطلاعات عملکردی در زمینه‌های مذکور توسط شرکت‌ها، اطلاعات دقیق و قابل اتکاءتری در اختیار ذینفعان داخلی و خارجی قرار می‌گیرد که باعث کاهش خطا و افزایش دقت پیش‌بینی تحلیل‌گران مالی شده و اطلاعات مورد نیاز تصمیم‌گیرندگان فراهم گشته و موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، کارآمد و رقابتی‌تر شدن بازار، کاهش خطر سوداگری، جنجال‌آفرینی، شایعه‌پراکنی توسط عوامل برهم‌زننده نظم بازار، افزایش مبادلات سهام و نهایتاً افزایش ارزش شرکتی خواهد شد.

چنانچه شرکت‌ها در راستای اهداف توسعه پایدار یک جامعه، عملکرد پایداری از خود نشان دهند و در راستای حداکثرسازی منافع و رفاه اجتماعی همه ذینفعان خود در جامعه و حداقل‌سازی آسیب‌های اجتماعی و زیست‌محیطی برآیند، شرکت را به سمت داشتن یک اقتصاد پایدار هدایت کرده و نهایتاً جامعه را به سمت پایداری و مانایی اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی سوق می‌دهند.

این امر مستلزم تدوین استانداردهای لازم از سوی هیئت‌های تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی و ارائه دستورالعمل‌های به‌کارگیری و مقررات اجرایی به جهت افشاء این اطلاعات در قالب فرمت یکپارچه و از سویی الزام شرکت‌ها به افشاء این اطلاعات از سوی ارکان نظارتی مانند کمیسیون بورس اوراق بهادار به عنوان پیش‌شرط پذیرش و ادامه فعالیت در بورس و رتبه‌بندی آنها بر اساس سطح و کیفیت افشاء و پاسخ‌گویی به ذینفعان خود می‌باشد.

در این تحقیق برای آزمون فرضیه‌های اول تا سوم و ارزیابی روابط بین متغیرها، از رگرسیون خطی مرکب مبتنی بر تحلیل داده‌های تابلویی با اثرات ثابت، بهره گرفته شده است. نتایج آزمون‌های انجام شده، نشان داد که افشاء اطلاعات عملکردی در سه حوزه اجتماعی،

زیست‌محیطی و اقتصادی با عدم تقارن اطلاعاتی، رابطه معکوس و معنادار داشته و موجب کاهش عدم تقارن اطلاعاتی ناشی از اختلاف سطح اطلاعات در اختیار ذینفعان مختلف گردیده است. بر اساس نتایج آزمون رگرسیون، به ترتیب مؤلفه زیست محیطی با ضریب رگرسیونی (-۰/۴۶۲)، مؤلفه اقتصادی با ضریب رگرسیونی (-۰/۲۷۵) و مؤلفه اجتماعی با ضریب رگرسیونی (-۰/۱۰۹)، بیشترین تأثیر را بر کاهش عدم تقارن اطلاعاتی داشته‌اند (ترتیب تأثیر افشاء این اطلاعات بر کاهش عدم تقارن اطلاعاتی). در شش صنعت منتخب، رتبه‌بندی تأثیر افشاء اطلاعات در زمینه‌های مذکور بر کاهش عدم تقارن اطلاعاتی به صورت ذیل بوده است:

الف) افشاء اطلاعات اجتماعی: به ترتیب در صنایع فلزات، غذایی، سیمان، شیمیایی، خودرو و دارویی، بیشترین میزان تأثیر را بر کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، داشته است.

ب) افشاء اطلاعات زیست‌محیطی: به ترتیب در صنایع شیمیایی، سیمان، غذایی، فلزات، خودرو و دارویی، بیشترین میزان تأثیر را بر کاهش عدم تقارن اطلاعاتی داشته است.

ج) افشاء اطلاعات اقتصادی: به ترتیب در صنایع غذایی، شیمیایی، سیمان، فلزات، خودرو و دارویی بیشترین میزان تأثیر را بر کاهش عدم تقارن اطلاعاتی داشته است.

همچنین با استفاده از تحلیل واریانس به آزمون فرضیه‌های چهارم تا ششم، مبنی بر وجود یا عدم وجود تفاوت معنادار در سطح افشاء اطلاعات اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی در صنایع مختلف، پرداخته شد. براساس نتایج این آزمون، فرضیه چهارم و پنجم تحقیق مورد قبول واقع شد و در نتیجه سطح افشاء اطلاعات اجتماعی و زیست محیطی شرکت‌ها، تحت تأثیر صنعت دارای تفاوت معنادار است. اما فرضیه ششم مورد قبول قرار نگرفت. بر این اساس سطح افشاء اطلاعات اقتصادی شرکت‌ها در صنایع مختلف در سطح تقریباً برابری بوده است. اولویت سطح افشاء به ترتیب مربوط به اطلاعات عملکرد زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی، بوده است.

رتبه‌بندی سطح افشاء در سه حوزه مذکور، در شش صنعت منتخب ما به شرح ذیل بوده است:

الف: مؤلفه زیست‌محیطی به ترتیب در صنعت دارویی، فلزات، سیمان، شیمیایی، خودرو و غذایی، دارای بالاترین سطح افشاء بوده است.

ب: مؤلفه اقتصادی به ترتیب در صنعت سیمان، فلزات، شیمیایی، دارویی، خودرو و غذایی، هرچند با اختلاف جزئی، دارای بالاترین سطح افشاء بوده است.

ج: مؤلفه اجتماعی به ترتیب در صنعت سیمان، خودرو، فلزات، دارویی، غذایی و

شیمیایی، دارای بالاترین سطح افشاء بوده است.

۶. پیشنهادها

۱- به مدیران و سیاست‌گذاران شرکت‌ها به‌خصوص شرکت‌هایی که از عدم تمرکز مالکیت بالاتری برخوردارند، پیشنهاد می‌شود در راستای کاهش هزینه‌های نمایندگی و از سویی در راستای گام نهادن شرکت در مسیر اهداف توسعه پایدار، ایفای نقش پاسخ‌گویی و نشان دادن شفافیت عملکرد به تمام ذینفعان در جامعه، مشروعیت بخشی به فعالیت‌های شرکت و تضمین بخشی به سرمایه‌گذاران، در حاکمیت شرکتی خود تدابیری را به جهت افشای اطلاعات خویش در زمینه‌های اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی، مد نظر قرار دهند.

۲- به سرمایه‌گذاران، تصمیم‌گیرندگان، اعتباردهندگان، ارکان دولتی و سایر ذینفعان، پیشنهاد می‌شود تا در تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌ای خود، به شرکت‌هایی که اطلاعات مربوط به تاثیرات عملکرد اجتماعی و زیست محیطی و اقتصادیشان را در سطح و کیفیت بالاتری افشاء می‌کنند و این امر نشان از مسولیت‌پذیری بالاتر آنها می‌باشد توجه بیشتری داشته باشند.

۳- به تدوین‌کنندگان استانداردها و اصول پذیرفته شده حسابداری و حسابرسی پیشنهاد می‌شود تا استانداردها، مقررات و دستورالعمل‌های لازم را در راستای افشاء اطلاعات اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی (اطلاعات پایداری) را در ایران، تدوین و الزامات اجرایی آن را نیز پیش‌بینی نمایند.

۴- به سازمان بورس اوراق بهادار تهران و نهادهای نظارتی پیشنهاد می‌شود با توجه به اینکه در ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه، مقررات و استانداردهای مشخصی برای افشاء اطلاعات پایداری شرکت‌ها، به‌طور یک‌پارچه وجود ندارد همچنین دامنه و مرزهای افشاء این اطلاعات مشخص و روشن نیست، در مقررات خود تدابیر قانونی و اجرایی را به جهت الزام به افشاء این اطلاعات توسط شرکت‌ها به عنوان پیش‌شرط پذیرش و رتبه‌بندی آنها از لحاظ سطح و کیفیت افشاء اطلاعات پایداری در نظر گیرند.

۵- به سازمان‌های محیط‌زیست، منابع طبیعی و گروه‌های حامی محیط زیست پیشنهاد می‌شود به صنایع آلاینده توجه بیشتری داشته و پیگیر نظارت و کنترل بر عملکرد این شرکت‌ها و صنایع مربوطه از طریق نهادهای نظارتی باشند.

یادداشت‌ها

1. Sustainable Development
2. United Nations (UN)
3. World Commission on Environmental and Development (WCED)
4. Global Reporting Initiative (GRI)
5. Sustainability Accounting Standards Board (SASB)
6. World Business Council of Sustainable Development (WBCSD)
7. Principles for Responsible Investment (PRI)
8. Nizam et al.
9. Moneva & Hernández-Pajares
10. Longer
11. Information Asymmetry
12. Dhaliwal et al.
13. Glaum et al.
14. Positive accounting Theory
15. Shareholder Primacy Theory
16. Agency Theory
17. Legitimacy Theory
18. Signalling theory
19. Moon & Knudsen
20. Lock & Seele
21. Liang & Renneboog
22. Hussain et al.
23. Li et al.
24. Lozano & Huisingh
25. Deralvel et al.
26. Longoni & Cagliano
27. Dal Maso et al.
28. Kazi & Yar
29. Lang & Lundholm
30. Spitcher
31. Fama & Jensen
32. Watts & Zimmerman
33. Jenkins & Yakovleva
34. Cordeiro & Tewari
35. Laplume et al.
36. Freeman
37. Traxler & Greiling
38. Gupta & Goldar
39. Spence et al.
40. Hahn & Kühnen
41. Michelon et al.
42. Firm Size
43. Kolk & Perego
44. Financial Leverage
45. Jensen & Meckling
46. Profitability
47. Lai et al.
48. Assets Liquidity
49. Jennifer & Taylor
50. Free Cash Flow
51. Growth Opportunities
52. Artiach et al.
53. Piotroski
54. Ownership structure
55. Kılıç & Kuzey
56. Nobanee & Ellili
57. Omar & Usman
58. Eljido et al.
59. Gao et al.
60. Yuhan et al.
61. Traxler & Greiling,
62. Martínez-Ferrero & García-Sánchez

منابع

الف. فارسی

- بنی مهد، بهمن و رؤیایی، رمضانعلی (۱۳۸۵). افشاء داوطلبانه در گزارشگری مالی: مروری بر تئوری‌ها و تحقیقات، آینده پژوهی مدیریت، ۶۸ (بهار)، ۳۳-۴۰.
- جامعی، رضا و عزیزی، بنیامین (۱۳۹۷). بررسی تأثیر افشاء مسئولیت‌های سازمانی بر سطح

نگهداشت وجه نقد از طریق ریسک ویژه و ریسک سیستماتیک در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پیشرفت‌های حسابداری، ۱۰(۲)، پاییز و زمستان، ۱۰۱-۱۳۶.

رحمانی، علی و بشیری منش، نازنین (۱۳۹۳). مروری بر ادبیات افشاء اطلاعات در ایران، پژوهش حسابداری، ۴(۳)، ۱-۳۴.

غفوریان، محمد سجاده؛ غفوریان، امیر و مرادی، محسن (۱۳۹۸). بررسی اثر حساسیت زیست‌محیطی بر رابطه بین افشاء مسئولیت اجتماعی و مزیت رقابتی، حسابداری سلامت، ۶(۸)، ۹۵-۱۱۸.

نمازی، محمد؛ رضایی، غلامرضا و ممتازیان، علیرضا (۱۳۹۳). رقابت در بازار محصول و کیفیت اطلاعات حسابداری، پیشرفت‌های حسابداری، ۶(۲)، پاییز و زمستان، ۱۳۱-۱۶۶.

ب. انگلیسی

Artiach, T., Lee, D., Nelson, D., Walker, J. (2010). The determinants of corporate sustainability performance. *Accounting & Finance*, 50(1), 31-51.

Cordeiro, J. J., and M.Tewari. (2015). Firm characteristics, industry context, and investor reactions to environmental CSD: A Stakeholder Theory approach. *Journal of Business Ethics*, 130: 833- 849.

Dal Maso, L., Mazzi, F., Soscia, M., & Terzani, S. (2019). The moderating role of stakeholder management and societal characteristics in the relationship between corporate environmental and financial performance. *Journal of Environmental Management*, 218, 322-332.

Dhaliwal, D. S., Radhakrishnan, S., Tsang, A., & Yang, Y. G. (2012). Nonfinancial disclosure and analyst forecast accuracy: International evidence on corporate social responsibility disclosure. *The Accounting Review*, 87(3), 723-759.

Deralvel, M., Villiers, C., Van Staden, C.J. (2005). Can less environmental disclosure have a legitimising effect? Evidence from Africa. *Accounting, Organizations and Society* 31, 763e781.

Elijido-Ten, E., Kloot, L., & Clarkson, P. (2010). Extending the application of stakeholder influence strategies to environmental disclosures: An exploratory study from a developing country. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 23(8), 1032-1059.

Freeman, R. (1984). Strategic management: A stakeholder approach. Marshfield, MA: Pitman Publishing Inc.

Fama, E. F., Jensen, M. C. (1983). Separation of ownership and control. The

- Journal of Law & Economics*, 26(2), 301-325.
- Glaum, M., Baetge, J., Grothe, A., & Oberdörster, T. (2013). Introduction of international accounting standards, disclosure quality and accuracy of analysts' earnings forecasts. *European Accounting Review*, 22(1), 79–116.
- Gao, S. S., Heravi, S., & Xiao, J. Z. (2005). Determinants of corporate social and environmental reporting in Hong Kong: A research note. *Accounting Forum*, 29, 233–242
- Gupta, S., & Goldar, B. (2005). Do stock markets penalize environment-unfriendly behavior? Evidence from India. *Ecological Economics*, 52(1), 81-95. doi: 10.1016/j.ecolecon.2004.06.011
- Hussain, N., Rigoni, U., & Cavezzali, E. (2020). Does it pay to be really good? Looking inside the black box of the relationship between sustainability performance and financial performance. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*
- Hahn, R., & Kühnen, M. (2013). Determinants of sustainability reporting: A review of results, trends, theory, and opportunities in an expanding field of research. *Journal of Cleaner Production*, 59, 5-21.
- Jenkins, H., & Yakovleva, N. (2008). Corporate social responsibility in the mining industry: Exploring trends in social and environmental disclosure. *Journal of Cleaner Production*, 14, 271-284
- Jennifer Ho, L.-C., Taylor, M.E., 2007. An empirical analysis of triple bottom-line reporting and its determinants: Evidence from the United States and Japan. *Journal of International Financial Management and Accounting*. 18(2), 123-150.
- Jensen, M. C., Meckling, W. H. (1976). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure, *Journal of Financial Economics* 3, 305–360
- Kılıç, M., & Kuzey, C. (2019). The effect of corporate governance on carbon emission disclosures: Evidence from Turkey. *International Journal of Climate Change Strategies and Management*, 11(1), 35-53.
- Kazi, B., Yar, D. L. (2017). The future of corporate sustainability reporting: A rapidly growing assurance opportunity. *Journal of Accountancy*, December, 65-74. Retrieved from <http://www.journalofaccountancy.com/issues/2006/dec/thefutureofcorporatesustainabilityreporting.html>
- Kolk, A., & Perego, P. (2010). Determinants of the adoption of sustainability assurance statements: An international investigation. *Business Strategy and the Environment*, 18, 182–198.
- Li, Y., Gong, M., Zhang, X. Y., & Koh, L. (2019). The impact of environmental, social, and governance disclosure on firm value: The

- role of CEO power. *The British Accounting Review*, 50(1), 60-75.
- Longoni, A., & Cagliano, R. (2019). Inclusive environmental disclosure practices and firm performance: The role of green supply chain management. *International Journal of Operations & Production Management*.
- Lai, H., Lin, S., Hsu, A., & Chang, C. (2017). Share repurchase, cash dividend and future profitability, *International Journal of Organizational Innovation*, 9(1),101-109.
- Liang, H., & Renneboog, L. (2016). On the Foundations of Corporate Social Responsibility. *Journal of Finance*, (January). <https://doi.org/10.2139/ssrn.2540024>
- Lock, I., & Seele, P. (2016). The credibility of CSR reports in Europe. Evidence from a quantitative content analysis in 11 countries, *Journal of Cleaner Production*, 122, 186-200
- Longer, K. (2016). Regulating for rights and sustainability: Biofuel in Malaysia. *Sustainability, Accounting, Management and Policy Journal*, 3(2), 252-261. doi: 10.1108/20408021211282359
- Lozano, R., Huisingh, D. (2011). Inter-linking issues and dimensions in sustainability reporting. *Journal of Cleaner Production*, 19, 99-107
- Laplume, A. O., Sonpar, K., Litz, R. A. (2008). Stakeholder theory: Reviewing a theory that moves us. *Journal of Management*, 34, 1152-1189.
- Lang, M. H., & Lundholm, R. J. (1996). Corporate disclosure policy and analyst behavior. *The Accounting Review*, 71(4), 467-492.
- Moneva, J. M., & Hernández-Pajares, J. (2018). Corporate social responsibility performance and sustainability reporting in SMEs: An analysis of owner-managers' perceptions. *International Journal of Sustainable Economy*, 10(4), 405-420.
- Moon, J., & Knudsen, J. S. (2018, July). Corporate social responsibility and government. In *Academy of Management Proceedings* (Vol. 2018, No. 1, p. 12777). Briarcliff Manor, NY 10510: *Academy of Management*.
- Martínez-Ferrero, J., & García-Sánchez, I. M. (2017). Coercive, normative and mimetic isomorphism as determinants of the voluntary assurance of sustainability reports. *International Business Review*, 26(1), 102-118.
- Michelon, G., Pilonato, S., Ricceri, F. (2015). CSR reporting practices and the quality of disclosure: An empirical analysis. *Critical Perspectives on Accounting*, 33, 59-78.
- Nizam, E., Ng, A., Dewandaru, G., Nagayev, R., & Nkoba, M. A. (2019). The Impact of Social and Environmental Sustainability on Financial Performance: A Global Analysis of the Banking Sector. *Journal of*

Multinational Financial Management.

- Nobanee, H., Ellili, N. (2016). Corporate sustainability disclosure in annual reports: Evidence from UAE banks: Islamic versus conventional. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 55, 1336–1341
- Piotroski, J. (2003). Discretionary segment reporting decisions and the precision of investor beliefs. Working Paper, *University of Chicago*.
- Omar, N., & Usman, K. (2012) Empirical evidence on corporate social disclosure (CSD) practices in Jordan. *International Journal of Commerce and Management*, 10 (3/4), 18-34. doi: 10.1108/eb047406
- Spence, M., Kos. L, Div, O. 2010. Signaling in retrospect and the informational structure of markets. *The American Economic Review*, 92(3), 434-459.
- Spitche, K. (1991). Analysts' forecasts. *Accounting Horizons*, 5(4), 105–121.
- Traxler, A. A., & Greiling, D. (2019). Sustainable public value reporting of electric utilities. *Baltic Journal of Management*, 14(1), 103-121.
- Watts, R. & J, Zimmerman. (1978). Towards a positive theory of the determination of accounting standards, *The Accounting Review*, January, 112-134.
- Yuhan, S. R., Dwiwinarno, T., & Widagdo, A. K. (2017). Corporate social responsibility and corporate governance in Indonesian public listed companies. In *SHS Web of Conferences*, (Vol. 34, p. 13002). EDP Sciences.